



شهید خدمت

حجّت الاسلام و المسلمین

سید ابراهیم رئیسی

ناصر کاوه


بسم الله















سرشناسه : کاوه، ناصر، ۱۳۴۴
عنوان و نام پدیدآور : **شهید خدمت**
زندگینامه و خاطراتی از رئیس جمهور شهید، سید ابراهیم رئیسی
۱۷۴ ص.
مشخصات نشر :
مشخصات ظاهری :
شابک :
وضعیت فهرست نویسی :
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : شهیدان — ایران — بازماندگان — خاطرات
موضوع : Martyrs — Iran —Survivors — Diaries
موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ — خاطرات
موضوع : Iran–Iraq War, ۱۹۸۰–۱۹۸۸ — Personal narratives
رده بندی کنگره :
رده بندی دیویی:
شماره کتابشناسی ملی:

«شهید خدمت»

زندگینامه و خاطراتی از رئیس جمهور شهید
سید ابراهیم رئیسی

نویسنده: ناصرکاوه
شابک: گرافیک و طراح: علی کربلائی
مشاور طرح: مهدی کاوه
حروف نگار: نرگس کاوه
روابط عمومی و پشتیبانی: فاطمه عاقلی
قیمت: ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان:
چاپ:

این کتاب تقدیم می‌شود

به ائمه معصومین (صلوات الله علیهم اجمعین)

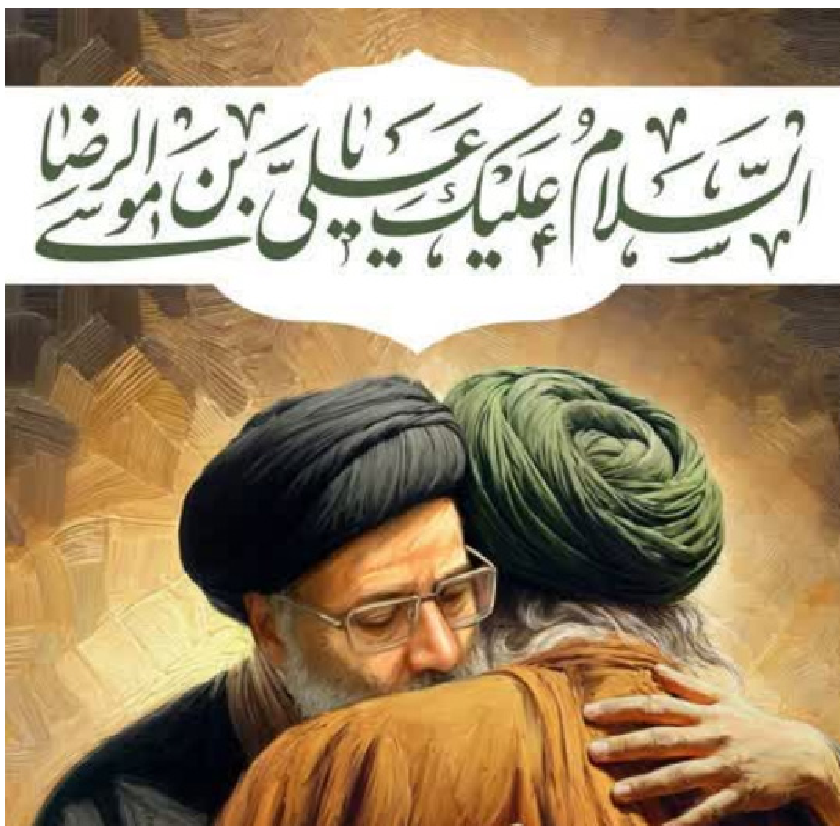
امام خمینی (ره)،شهدا از صدراسلام تا تمامی شهدای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهور شهید، سیدابراهیم رئیسی و هئیت همراه

«امام خامنه ای»

رزمنده تا زمانی که خاطراتش را ثبت نکرده، هنوز به تاریخ و آینده و آرمانش بدهکار است. خاطره نویسان جنگ مقتل خوانان دفاع مقدس هستند که، صحنه‌های جنگ را دیدند و نوشتند. اگر این دسته از نویسندگان این کار را انجام ندهند شاید نسل های بعدی حقایق را باور نکنند و کارهای بزرگ در زمان خود خفه شوند، چرا که ترس‌ها، امیدها و فداکاری‌ها در تاریکی و گمنامی جبهه‌ها اتفاق افتاده که جز خدا هیچ کس از آن خبر ندارد. هیچ کس این حقایق و بهجت‌هایی که رزمندگان هنگام عملیات‌ها داشتند را نمی‌بینند، مگر اینکه جهاد بزرگی رخ دهد وآن ثبت خاطرات برای دیگران است.



فهرست



مقدمه

ای مرد، در میانه‌ی میدان چه می‌کنی؟!
در لابلای جنگل و باران چه می کنی؟!
میز ریاست تو چه کم داشت از رفاه
در ورزقان و در مه و بوران چه می‌کنی؟!
دل کنده از اوامر و دستور و پایتخت
در نقطه‌های مرزی ایران چه می‌کنی؟!
ای هفت‌روز هفته، به فکر ضعیف‌ها
هم شانه ی فقیر و ضعیفان چه می‌کنی؟!
تهران اگر که شهر و مقرّ ریاست است
پس در میان ایل و دهستان چه می‌کنی؟!

«شهادت رئیس جمهور جهادی و انقلابی؛ خادم الرضا(ع) آیت الله آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان ایشان در سالروز میلاد حضرت ثامن الحجج «علیه آلاف التحیة و الثناء» اگر چه پاداش خدمات و تلاشهای شبانه روزی ایشان نزد پروردگار متعال بود، ولی موجبات تأثر و تألم مردم ایران و آزادگان جهان که دل در گرو نظام مقدس جمهوری اسلامی دارند را فراهم آورد. این رئیس جمهور خدوم و خستگی ناپذیر در تمام عرصه هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی به خدمتگزاری مشغول بود نمونه اتم و اکمل مدیران انقلابی و ولایی بود و در امور محوله از هیچ کوششی دریغ نورزید و با شهادت در راه خدمت رسانی به این مرز و بوم به درجه رفیع شهادت نائل آمد و مصداق آیه شریفه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا» گردید

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی شهادت حجت‌الاسلام والمسلمین سیّدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور اسلامی ایران، دکتر امیرعبداللهیان وزیر امور خارجه، حجت‌الاسلام‌والمسلمین آل‌هاشم نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی، دکتر رحمتی استاندار آذربایجان شرقی و همراهان گرامی ایشان در سانحه هوایی را تسلیت گفتند. متن پیام تسلیت رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است

بسم الله الرّحمن الرّحیم

انا لله و انا الیه راجعون

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخِ درگذشتِ شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم‌الرضا علیه السلام جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم

این حادثه‌ی ناگوار در اثنای یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و

چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد. رئیسی عزیز خستگی نمی شناخت. در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آزردگیهایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمیشد

در این حادثه‌ی سنگین شخصیتهای برجسته‌ئی مانند حجةالاسلام آل هاشم امام جمعه‌ی محبوب و معتبر تبریز، جناب آقای امیر عبداللهیان وزیر خارجه‌ی مجاهد و فعال، جناب آقای مالک رحمتی استاندار انقلابی و متدین آذربایجان شرقی و گروه پروازی و دیگر همراهان نیز به رحمت الهی پیوستند

اینجانب پنج روز عزای عمومی اعلام میکنم و به ملت عزیز ایران تسلیت میگویم. جناب آقای مخبر طبق اصل ۱۳۱ قانون اساسی در مقام مدیریت قوه‌ی مجریه قرار میگیرد و موظف است به همراهی رؤسای قوای مقنّنه و قضائیه ترتیبی دهند که ظرف حداکثر پنجاه روز رئیس جمهور جدید انتخاب شود. در پایان تسلیت صمیمی خود را به مادر گرامی جناب آقای رئیسی و همسر فاضل و بزرگوار ایشان و دیگر بازماندگان رئیس جمهور و خانواده‌های محترم همراهان بویژه والد ماجد جناب آقای آل هاشم معروض میدارم و صبر و تسلای آنان و رحمت الهی برای درگذشتگان را مسألت میکنم

سیّدعلی خامنه‌ای

۱۴۰۳/۲/۳۱

این «حادثه» ای اجل! نخواهد افتاد

زهری ز تو در عسل نخواهد افتاد

تا سید علی خامنه‌ای رهبر ماست

در کار وطن خلل نخواهد افتاد

آینـده فروشـی نکـرد. کشـور را چـوب حـراج نـزد. جمعـه هایـش را هـم تعطیـل نبـود.اداره و پیشرفـت کشـور را معطـل اراده خارجـی نکـرد. دولـت را بـه میـان مـردم بـرد و گـوش شـنوای مـردم شـد. بدنـه مدیریتـی کشـور را جـوان کـرد. علـی رغـم قـوت و ضعـف هـا ، ریـل مدیریـت کشـور را از غرب‌گرایـی و ندیـدن مـردم و درجـا زدن و کم‌تحرکــی ، تغییــر داد...

ایـن نکتـه رهبری در پیـام تسـلیت شـهادت سـید محرومـان، درس بزرگـی بـرای همـگان اسـت: "آزردگـی هایـش از ناسپاسـی و طعـن برخـی بدخواهـان، مانـع تلاش شـبانه روزیـش بـرای پیشرفـت و اصلاح امـور نمـی شـد."

ایـن بایـد درسـی باشـه بـرای مـن و امثـال مـن، کـه هـدف روشـن و معیـن و الهـی باشـد و بـا تمسـخر و طعنـه و نیـش و کنایـه هـا تغییـر نکنـد..

ای هفت‌روز هفته، به فکر ضعیف‌ها

هم شانه ی فقیر و ضعیفان چه می‌کنی؟!

تهران اگر که شهر و مقرّ ریاست است

پس در میان ایل و دهستان چه می‌کنی؟!

حقیـر ضمـن ابـراز ناراحتـی و همـدردی بـا ملـت شریـف ایـران، شـهادت خـادم ملـت مرحـوم آیـت اللـه رئیسـی؛ نایـب رئیـس مجلـس خبرگان رهبری، مرحـوم حجـت الاسلام و المسـلمین آل هاشـم؛ منتخـب مـردم آذربایجـان شرقـی در مجلـس خبرگان رهبری، شـهید دکتر امیرعبداللهیـان؛ وزیـر امـور خارجـه و مجموعـه هیئـت همـراه را محضر رهبر معظـم انقلاب حضرت آیـت اللـه العظمـی خامنـه‌ای «مـد ظلـه العالـی» و مـردم عزیـز ایـران اسلامـی تسـلیت و تعزیـت مـی گویـم و از درگاه خداونـد منـان، علـو درجـات و حشر بـا اهـل بیـت «علیهـم السلام» را بـرای ایـن شـهدای عزیـز مسئلت می‌نمایـم. شـهید دکتر رئیسـی اخلاص، تواضـع در برابـر مـردم، عدالـت اجتماعـی و مسـئولیت پذیـری را بـه نحـو احسـن در سرشـت خـود داشـت و در عمـل ظهـور و الگـوی بـارز یـک رئیـس جمهـور کارآمـد را در جامعـه بـه تصویـر کشـید

دلم امشب به رواق و به زیارت باشد
به امید کرم و اذن و شفاعت باشد
به جوادت همه داریم قَسَم مولا جان
که تن و جانِ رئیسی به سلامت باشد
به دل تلاطم داریم و حالمان خوش نیست
درست مثل شب جمعه؛ ساعت، یک‌و بیست...
اخبار سراسر جهانی سید!
حالا تو کجای آسمانی سید؟!
مانند بقیع چشم ها می گردند؛
چون مادر خویش، بی نشانی سید!

مراسم تشییع رئیس‌جمهور شهید و همراهانش نشان دهنده محبوبیت آن شهید و مورد لطف خدا بودن شهید رئیسی و هیئت همراه بود و به قول حجت‌الاسلام قرائتی: اگر آقای رئیسی را می‌دیدم به او می‌گفتم که قرآن به وعده‌اش وفا کرد. قرآن می‌گوید کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند محبوب می‌شوند. این حرکت تشییع میلیونی مردم در شهرهای مختلف ایران نشان‌دهندهٔ محبوبیت شما و مورد لطف خدا بودن شما است. برخی مخالفین شما به شما نیش و کنایه زدند که خداوند جبران کرد، خدا جبار است و جبران می‌کند، این محبوبیت امروز جبران آن نیش و کنایه است.کتاب را نبند و بقیه را خودت ورق بزن و بخوان. باحول وقوه الهی، با توسل به چهارده خورشید منور و با استعانت از شهدا از میان هزاران خاطره و به رسم چیدن بهترین گل های معطر وتهیه خوش بوترین عطرها وباامید برآمدن هزاران آرزو با نام مقدس و مبارک «امام زمان(عج)» و با« رمز یا زهرا(س)» نوشتن «کتاب شهید خدمت» را شروع می کنیم، تا انشاءالله مورد رضایت وخشنودی «خداوند عزوجل» واقع گردد... سوم خرداد ۱۴۰۳ _ ارادتمند: ناصرکاوه

«شهید جمهور»

هرچه صدا کردیم: "ابراهیم!"
اسم تو حتی برنگشت از کوه
آنقدر روحت بی‌قراری کرد
جسم تو حتی برنگشت از کوه
اردیبهشت اردی‌جهنم شد
هر صفحه‌ی تقویم را سوزاند
این بار آتش سرد شد اما
وقتی که ابراهیم را سوزاند
گشتیم دنبال پر و بالت
گفتند دیگر وا نخواهد شد
جز بالگرد سوخته چیزی
پیدا نشد، پیدا نخواهد شد

شهید جمهور

تو کوه دردی بودی و رفتی

ای کوه درد! ای کاش برگردی

آن بالگرد ای کاش برگردد

با بالگرد ای کاش برگردی

چشم انتظار دیدنت گشتند

حتی شهیدان خدایی هم

آن سو "بهشتی" بی‌قرار تو

آن سوتر انگاری "رجایی" هم

این ملت تنها تو را دیروز

در شادی و غم انتخابت کرد

ای انتخاب مردم ایران!

حالا خدا هم انتخابت کرد

رضا یزدانی



رئیسی عزیز خستگی نمی شناخت

رئیسی عزیز خستگی نمیشناخت. در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه چیز ترجیح داشت، از این رو آزردگیهایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانع تلاش شبانه روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمیشد.

۱۴۰۳/۰۲/۳۱



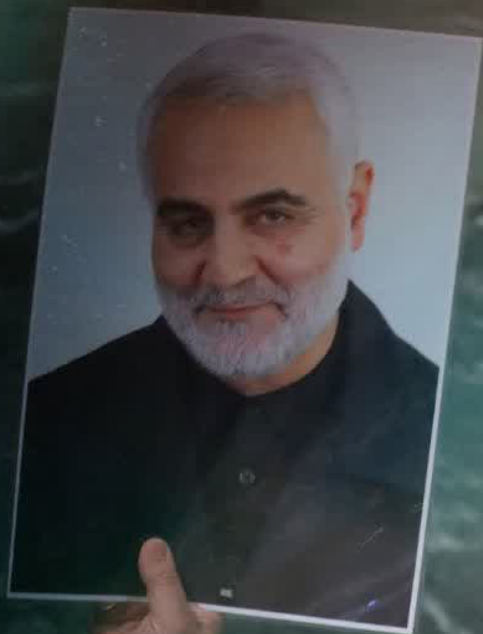
شهید سلام هر ایرانی
بسم الله الرحمن الرحیم
انا لله و انا الیه راجعون
با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی
عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش،
خادم‌الرضا علیه السلام جناب حجة الاسلام و المسلمین
آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان
رضوان الله علیهم را دریافت کردم.
سیدعلی خامنه‌ای
۱۴۰۳/۲/۳۱

خاطره‌ای به نقل از سرتیم حفاظت شهید رئیسی

این حجم از حضور مردم در مراسم تشییع شهید رئیسی، غیر قابل تصور بود و معتقدم این حضور بخشی از همان وعده صادق است که زمینه ظهور حضرت حجت را فراهم می‌کند. امثال این بزرگان به درجه و مقامی رسیده‌اند که هم حضورشان در دنیا و هم شهادت‌شان مایه برکت است. باید بگویم جمعیت بسیار زیادی در داخل حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها و اطراف حرم تا مسجد مقدس جمکران حضور داشتند. این جمعیت گسترده را زمینه‌ای برای ظهور حضرت مهدی می‌دانیم و به دلیل این حضور پرشور مردم، خداوند متعال را شکرگزاری می‌کنیم. زندگی ایشان بسیار ساده بود و رفتار و منش او آمیخته به تواضع بود. او خود را مطیع ولایت می‌دانست و اهل انس، گریه، توسل و تهجد بود. به نظرم همین ویژگی‌ها به همراه سربازی مخلصانه‌اش برای ولایت باعث رشد و کمال ایشان شد. شهید موسوی که سرتیم حفاظت ایشان بود، برای خود من تعریف کرد که شب‌های جمعه، شهید رئیسی حتما به یکی از اماکن مقدسه می‌رود و نافه شب را در یکی از حرم‌های مطهر اقامه می‌کند. او تعریف می‌کرد که حتی اگر در جایی باشند که از اماکن متبرکه دور باشند، حتما به نزدیک‌ترین امامزاده سری می‌زنند و نماز شب می‌خوانند. حجت الاسلام سیدحسین مومنی در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی خبرگزاری تسنیم

حرف‌هایی که زدند را در وجودشان دیدم

من هم تبریک می‌گویم و هم تسلیت می‌گویم شهادت ۸ تا عزیزمان را. آشنایی با ایشان برمی‌گردد به سال ۸۳ که در مشهد با ایشان آشنا شدم و هرجا بودند خدمت ایشان بودیم تا اینکه رییس جمهور شدند و به صورت مستقیم مشکلات کشتی را حل می‌کردیم و خاطرات زیادی داریم. پارسال که جایزه قهرمانان را می‌دادند اول کشتی بالا رفت و ایشان شروع کردند با من صحبت کردن. در این دو روزه تمام حرف‌هایی که به من زدند را در وجودشان دیدم. ایشان راه حق را از باطل خوب شناخته بود. همچنین امیدوارم هرجا مراسمی برای آقای رئیسی می‌گیرند آقا امیر عبداللهیان فراموش نشود. ایشان خیلی در سفرهای تیم ملی کشتی کمک کردند. یک خاطره بگویم که دیروز اتفاق افتاد. یک نامه‌ای را می‌خواستم برسانم به آقای رئیسی که به سید مهدی موسوی سر تیم حفاظت گفتم خودم بیاورم که گفت نمی‌خواهد و به یکی از بچه‌هایتان بیاورد. یکی از بچه‌های راننده ما برد و او را تحویل گرفتند و در داخل چایی دادند و از او پذیرایی کردند. این راننده ما امروز آنقدر گریه می‌کرد من عاشق این آدم شدم. ای کاش می‌شد خاطرات او را از آقای رئیسی کتاب بکنند. امیدوارم حق را از ناحق تشخیص بدهیم. این‌ها عاقبت بخیر شدند و ما این بزرگواران را از دست دادیم. روایتی از علیرضا دبیر به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین



مجاهد

رهبرانقلاب درپیام تسلیت:

با اندوه و تاسف فراوان خبرتلخِ درگذشتِ شهادت گونه‌ی
عالم **مجاهد**، رئیس جمهورمردمی و باکفایت و پرتلاش، خادم الرضا علیه‌السلام
جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی
و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۲/۳۱






از بهترین ها

رهبر انقلاب در جمع خانواده شهید رئیسی:

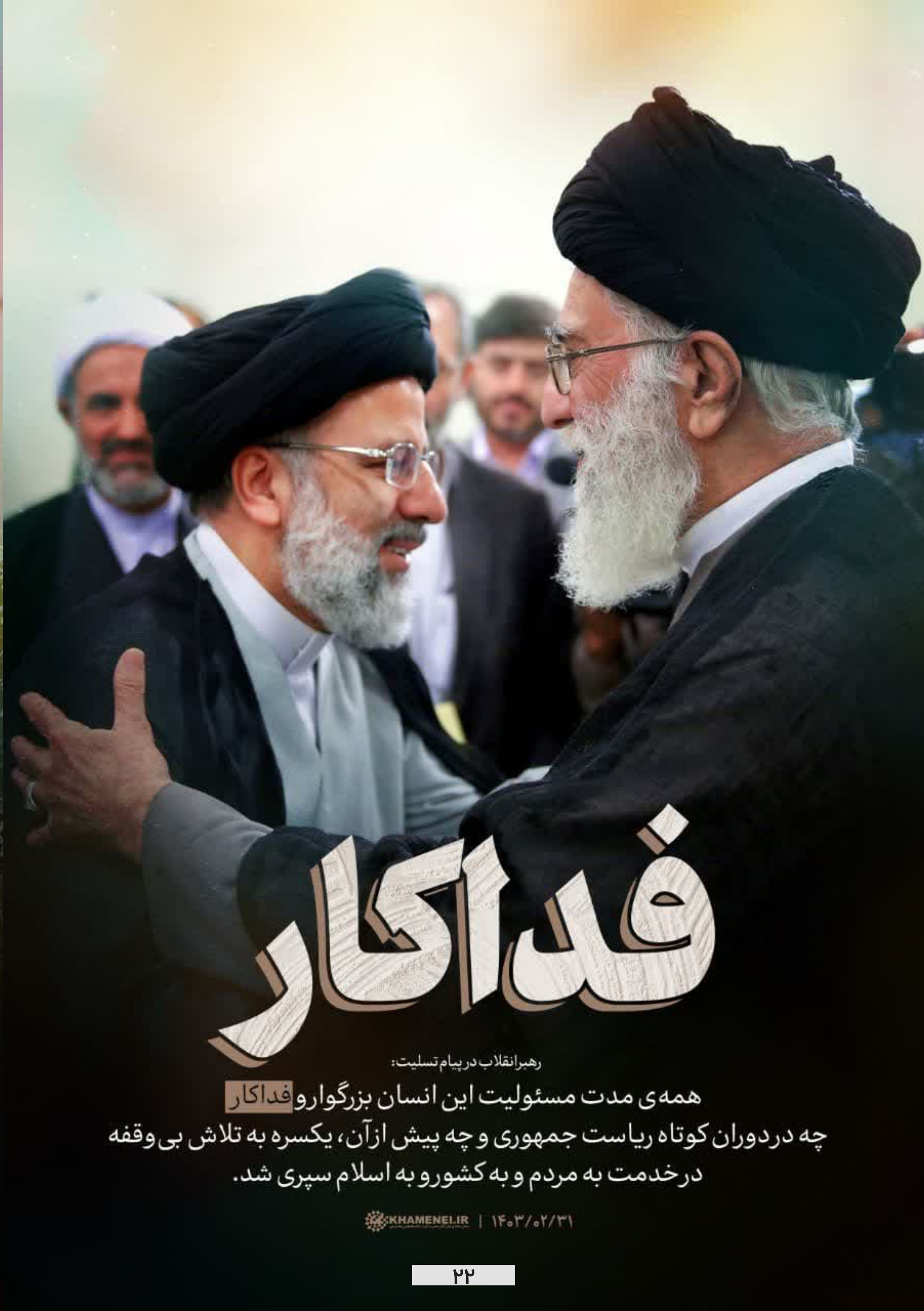
ما یکی از بهترین عناصرمان در زیر این آسمان را از دست دادیم؛
یکی از بهترین ها را از دست دادیم... چاره‌ای نیست؛
اینها را باید تحمل کرد در راه خدای متعال.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

شهدایی که شهید بودند

یکشنبه شب، زمانی که گروهی از پاسداران و خانواده‌هایشان به ملاقات رهبری شتافتند، ایشان بدون اطلاع قطعی از حال و وضع رئیس جمهور رئیسی در پی حادثه دردناک پیش آمده، تعبیری را درباره وی بکار بردند که من تاکنون از ایشان نشنیده بودم و برایم تازگی داشت: " رئیس جمهورِ محترم و مغتنم ...". به عنوان کسی که از خُردی و نوباوگی شرف زیستن در سایه سار سرو انقلاب را داشته، به خاطراتم رجوع می‌کنم؛ آشکارا رئیس جمهور شهید رئیسی را نسبت به اسلاف خود، ولایت پذیرتر، بی ادعاترو مردمی‌تر می‌یابم؛ سرتا پا و سراسیمه خود را وقف خدمت کرده بود و ... شاید سِرّ تعبیر "مغتنم" این باشد!شهید جمهور با توده مردم که از دید بنیانگذار انقلاب اسلامی و جانشین ایشان همه کاره این نظامند، سر و کار داشت. گرچه برخی پرورش یافتگان فکری مکتب غرب این فعالیت‌ها را ذیل عنوان پوپولیسم تعریف می‌کردند و از آن سکوی اهانتی به خدمتگزاران مردم می‌ساختند اما این شهید بزرگوار نقطه درستی را نشانه گرفته بود و آن هم مردم داری و خدمت به پابرهنگان و تکیه بر آنان بود. شهید سید ابراهیم رئیسی زمانی که بر مسند دادگستری کرج و بعد استان همدان نشست با پدربزرگم ارتباطات تنگاتنگی داشت و با توجه به خاطراتی که پدربزرگم از ایشان می‌گفت متوجه شدم که طلبه کوشا، فعال و جهادی است..

رئیس جمهور شهید ما به فضای مجازی به شدت علاقمند بود و زمانی که به سمت ریاست سازمان بازرسی کل کشور رسید، بنده در موسسه تبیان مسئولیت اجرایی داشتم و از ایشان دعوت کردم تا از فعالیت‌های این موسسه مطلع شود. ایشان برای به دست آوردن اطلاعات و ظرفیت رسانه‌ای موسسه تبیان سوالات کلیدی بسیار خوبی می‌پرسید که مشخص بود به این فضا و بستر علاقه زیادی دارد. این سال‌ها میزان ارتباط دوستانه ما بیشتر و بیشتر شد تا اینکه ایشان به ریاست جمهوری رسید و طبیعتا به دلیل مشغله‌های بسیاری که داشتند، ارتباط‌ها کم‌تر شد؛ اما دورا دور جویای احوال‌شان بودم. آن سید بزرگوار خانواده ساده اما تحصیل‌کرده‌ای داشت، خانواده‌ای اثرگذار که همواره در نظام فرهنگی کشور منشا خیر و برکت بودند. با وجود نقدهایی که به دولت سیزدهم وارد است اما رئیسی به عنوان رئیس جمهور مقتدر ایران، زحمات و تلاش‌های بسیاری کشید. نقل قولی از مقام معظم رهبری بعد از جلسات با رئیس جمهور وجود دارد که فرمودند: «ماشاالله توان اجرایی آقای رئیسی بسیار بالاست که در هر مسئول اجرایی این توان دیده نمی‌شود.» اقداماتی که شهید رئیسی به عنوان رئیس جمهور برای کشور انجام داد نادر است و قسمت‌اش این بود که در راه خدمت به درجه رفیع شهادت نائل شود. امیدوارم برکات خدمت ایشان همچنان در جامعه اسلامی ایران ادامه دار باشد. طوبی لهم و حسن مآب!... روایتی از محمدحسن حجازی


فداکار
رهبرانقلاب در پیام تسلیت:
همه‌ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار
چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه
در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد.
KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

کارآمد

رهبر انقلاب در دیدار رئیس مجلس لبنان:

ما شخصیت برجسته‌ای را از دست دادیم.
آقای رئیس جمهور برادر بسیار خوب و مسئولی کارآمد
و با کفایت و صمیمی و جدی بود.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

خاطره ای از ابراهیم رئیسی

پیرمرد کارش انجام قیرگونی است با عشق و علاقه کار می کند همراه با فرزندانش که همگی مجرد هستند. نگاه همه خانواده به گنبد طلای امام مهربان است امید پیر مرد عنایت امام است.جلو می آید ساده و صمیمی می گوید حاج آقا سلام.آقای رئیسی هم گویا سالهاست او را می شناسد مردی از اهالی خراسان که عشقش نوکری امام رئوف است و نان از در همین خانه بر سر سفره ساده خویش می برد. می گوید چهار فرزند دارم نمی توانم خرج ازدواج آنها را بدهم. آقای رئیسی شروع به شوخی کردن با پیرمرد می کند دلش که شاد شد تفاهم نامه ای هم منعقد می شود. حاج آقای رئیسی با پیرمرد تقسیم کار می کند. نصف نصف. دو نفر با من، دو نفر با همت شما. حسم به من می گوید شادتر از همه ماها امام رضا(ع) است. امامی که همه ما بر سر سفره او نشسته ایم.

جزئیات ناگفته از لحظات پایانی سقوط بالگرد

بعد از گذشت نیم ساعت از پرواز در مجاورت معدن سنگون یک لکه ابری دیده شد ،مانند سفره‌ای بود که در آسمان پهن شده باشد. از نظر ارتفاع پروازی مجبور شدیم که با این ابرها مواجه شویم. کاپیتان مصطفوی که کاپیتان حامل بالگرد رئیس‌جمهور بودند، اعلام کرد: به دلیل شرایط جوی بهتر است ارتفاع بگیریم و از بالای ابرها به مسیر ادامه بدهیم.

گـذشتن از ابرهابـدون بـدون لـرزش و مشـکل خاصـی اتفـاق افتـاد و بـه راحتـی از ابرهـا عبـور کردیـم و بـه مسیر ادامـه دادیـم. شرایـط بـه گونـه‌ای بـود کـه امـکان دیـدن خـط الـراس قله‌هـا بـه راحتـی امکان‌پذیـر بـود. از آنجایـی کـه در ایـن سـفر سـه بالگـرد عـازم تبریـز بودنـد، بالگـرد حامـل رئیس‌جمهـور و هیئـت همـراه در وسـط قـرار داشـتند. امـا چیـزی حـدود ۳۰ ثانیـه بعـد از ارتفـاع گـرفتن و عبـور از لایه سـنگین ابـر، متوجـه شـدیم کـه بالگـرد حامـل رئیس‌جمهـور نیسـت. خلبـان شروع بـه دور زدن و چرخیـدن نمـود و اعلام کـرد یکـی از بالگردهـا قابـل رویـت نیسـت و ممکـن اسـت فـرود اضطـراری کـرده باشـد ، امـا تلاش‌هـای وی بـرای برقـراری ارتبـاط رادیویـی موثـر واقـع نشـد و نتوانسـت هیچ‌گونـه پیامـی دریافـت نمایـد. آخریـن ارتبـاط رادیویـی حـدود یـک دقیقـه و سـی ثانیـه قبـل از آخریـن رویـت برقـرار شـده بـود کـه در آن کاپیتـان پـرواز حامـل رئیـس جمهـور دسـتور ارتفـاع گـرفتن بـرای عبـور از ابرهـا را داده بـود.از آنجایی‌کـه بـه دلیـل شرایـط جـوی امـکان فـرود آمـدن در همان مـکان وجـود نداشـت، دو بالگـرد پـس از چنـد بـار چرخیـدن مجبـور بـه فـرود اضطـراری در نزدیکـی معـدن سـنگون شـدند تـا بتوانیـم ماجـرا را پیگیـری نماییـم.

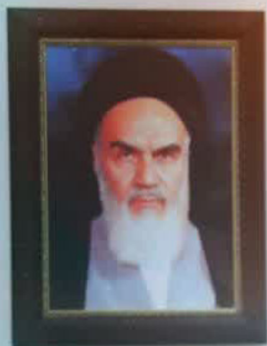
راوی: غلامحسین اسماعیلی، رئیس دفتر رئیس‌جمهور

در پیش خدا اگر که مسرور شدی

رفتی و در آسمـــــان اگر نور شدی

یادت نرود که رأی ما بانی شد

امروز اگر شهیـد جمهور شدی






از بهترین ها

رهبر انقلاب در جمع خانواده شهید رئیسی:

ما یکی از بهترین عناصرمان در زیر این آسمان را از دست دادیم؛
یکی از بهترین ها را از دست دادیم... چاره‌ای نیست؛
اینها را باید تحمل کرد در راه خدای متعال.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

جامع الاطراف

رهبر انقلاب در دیدار امیر قطر:

از دست دادن رئیس جمهور جامع الاطرافی
همچون آقای رئیسی سخت است،
به رغم این فقدان، اما حرکت کشور هیچ تغییری نخواهد کرد.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

کار و درس و زندگی

پـدرش از منبـری هـای معـروف خراسـان بـود. هنـوز سـید ا براهیـم پنـج سـالش تمـام نشـده بـود کـه درگذشـت، امـا پـدر، دو پسـر و دو دختـرش را طـوری تربیـت کـرده بـود کـه بـا سـختی آشـنا بودنـد و نازپـرورده نبودنـد. سـید ابراهیـم تابسـتان ها بـرای خـودش کار و کاسـبی راه انداختـه بـود؛ از دستفروشـی در خیابان هـای منتهـی بـه حـرم امـام رضـا علیه السلام تـا کار طاقـت فرسـا در مرغـداری. بعدهـا کـه طلبگـی را انتخـاب کـرد، تابسـتان هایـش را بـه کار می گذرانـد. خـرج و مخـارج خانـه و پـول کتاب هـای درسـی اش را از ایـن راه بدسـت مـی آورد. آن روزهـا زندگـی کـردن بـا ۵ تومـان شـهریه سـخت بـود. دیـر بـه دیـر می توانسـت بـرای مـادر و خواهـرش گوشـت و برنـج بخـرد. هـر از چنـد گاهـی هم کـه حـق الزحمـه خوبـی بـه دسـتش می‌رسـید کمـی گوشـت هم می خریـد و بـه خانـه می بـرد..

اصل شایسته سالاری

وقتـی بـه ریاسـت سـازمان بازرسـی کل کشـور منصـوب شـد، چنـد نفـر از مدیـران سـازمانکه گرایـش هـای سیاسـی مخالـف او داشـتند، نگـران اخـراج و برکناریشـان بودنـد. امـا او بـا علـم بـه نـگاه سیاسـی آنهـا، در تمـام ده سـال ریاسـتش بـر سـازمان از تـوان آنهـا بهـره بـرد. آقـای رئیسـی شدیدا معتقـد بـه شایسـته سـالاری بـود؛ نـه فقـط در شـعار!

دادستان جوان انقلاب

وقتـی مسـئولیت دادسـتانی کـرج را بـه عهـده گرفـت فقـط ۲۰ سـال داشـت. جوانتریـن دادسـتان انقلاب بـود، آن هـم در شـهری مثـل کـرج. بسـیاری از عوامل شـاه و طاغـوت در کـرج ملـک و امالک داشـتند.

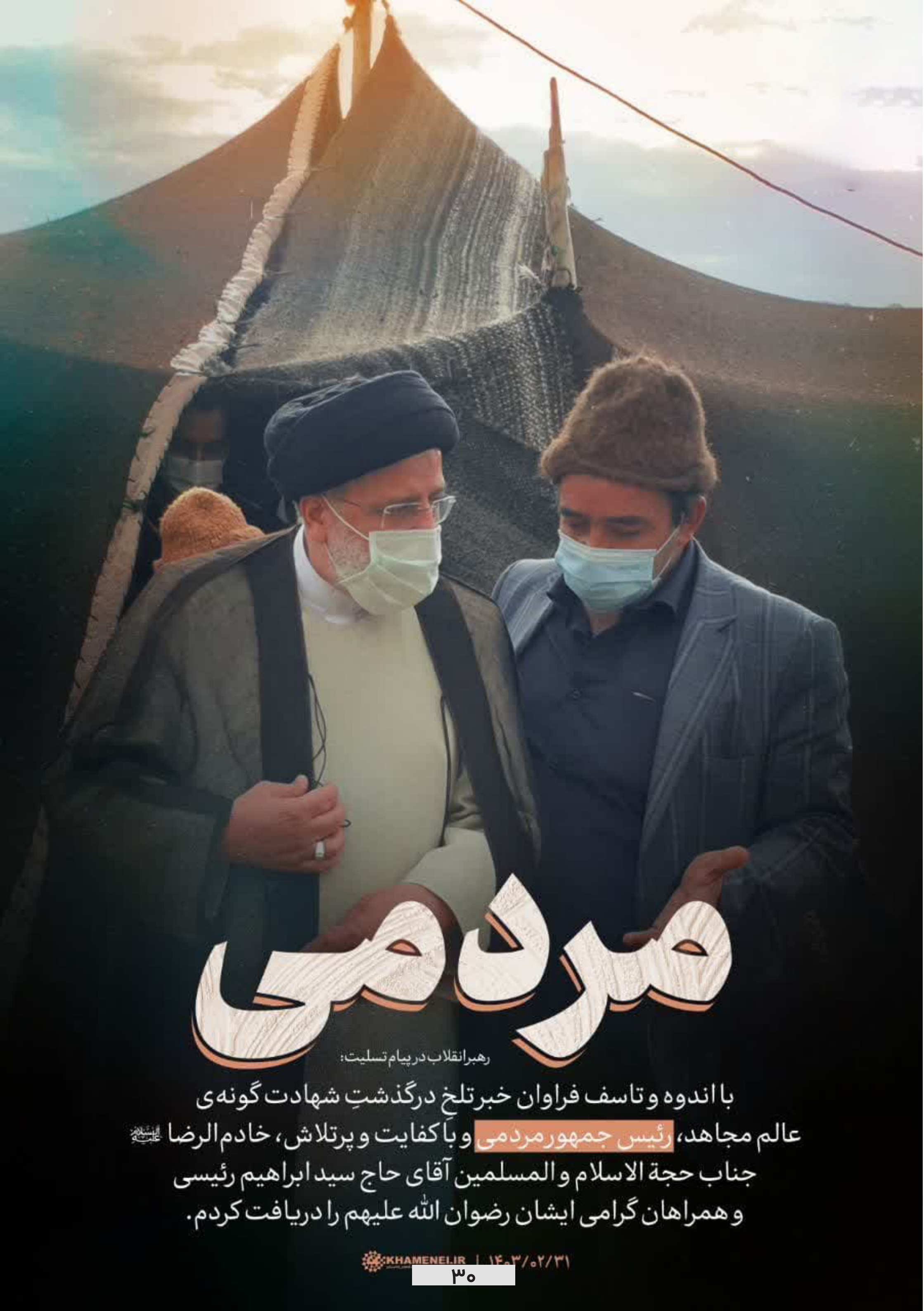
پاتـوق بسـیاری از سـاواکیها و ضـد انقـلاب هـم کـرج بـود. بـا ایـن حـال سـید ابراهیـم جـوان از پـس مدیریـت دادسـتانی بـه خوبـی برآمد.

آیت ا... قدوسـی کـه آن روزهـا دادسـتانی کل انقـلاب را بـه عهده داشـت از عملکـردش راضـی بـود، بـرای همیـن دادسـتانی اسـتان همـدان را همزمان بـه عهـده اش گذاشـت

ابراهیـم بـا اینکـه بـه ظاهـر جـوان بـود امـا عاقلانـه تصمیـم می گرفـت و دچـار احساسـات نمی شـد. همیـن ویژگـی بـود کـه نظـر آقـای قدوسـی را جلـب کـرده بـود..

در میان مردم

ایـام پیـاده روی اربعیـن، در مـرز مهـران همراه آقـای رئیسـی بودیـم. وقتـی مـردم متوجـه حضـورش شـدند، آمدنـد سـمت او. محافظـان جلـوی مـردم را گرفتنـد و نمـی گذاشـتند جـوان هـا جلوتـر بیاینـد. اولیـن بـاری بـود کـه آقـای رئیسـی را اینقـدر ناراحـت مـی دیـدم. بـه محافـظ هـا تشـر زد و گفـت بـا مـردم کاری نداشـته باشـید.


مردمی
رهبرانقلاب در پیام تسلیت:
با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخِ درگذشتِ شهادت گونه‌ی
عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم الرضا علیه‌السلام
جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی
و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.
KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

خادم الرضا علیه‌السلام

رهبرانقلاب در پیام تسلیت:

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخِ درگذشتِ شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهورمردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم الرضا علیه‌السلام جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

بالاتر از قانون!

از طـرف آقای خلخالـی حکـم داشـتند تـا بـا قاچاق مـواد مخـدر مبـارزه کننـد. سـلاح داشـتند و بـه هیـچ قانـون و رویـه ای اهمیت نمی دادنـد.

تحـت عنـوان دادگاه ویـژه مبـارزه بـا مـواد مخـدر جـاده را مـی بسـتند، خودروهـا را می گشـتند و هر کـس را کـه می خواسـتند دسـتگیر و گاهـی اوقـات اجـرای حکـم می کردنـد. تعـدادی از مسـئولین نیـز از آنها حمایـت می کردنـد. امـا سید ابراهیـم جـوان بـر سر قانـون بـا کسـی تعارف نداشت.

رفـت خدمـت آیت اهلل قدوسـی بـرای شکایت. ایشـان گفت کـه ایـن مسئله در جاهـای دیگـر کشـور هـم بـه وجود آمـده و قـرار اسـت بـا امام مطرح کند. سـید ابراهیـم امـا گفـت که قضیـه کـرج را شـخصاً حـل خواهـد کـرد.

بـه محـل تجمـع آنهـا رفـت و اسلحه شـان را ضبط کرد و افـراد متخلـف را تحویـل دادگاه انقلاب داد. آقـای خلخالـی زنـگ زد بـرای بازخواسـت. پرسـید: «شـما اقـدام کردیـد بـه گرفتـن اعضـای این دفتـر؟» سید ابراهیم گفت: «بلـه»! خلخالـی بـا عصبانیـت جـواب داد: «بالاتـر از تـو هـم نمـی توانـد ایـن کار را انجـام بدهـد.» سـید ابراهیـم بـا صدایـی مطمئـن و آرام گفـت: «مـن ایـن کار را کـردم و شـد و بـه بالاتـر از مـا هـم سـلام برسـانید، اگر در کـرج مـن مسـئول هسـتم و نمی گـذارم کار غیرقانونـی انجـام بشـود». این حرکت، شـاید اولیـن مقابلـه جـدی بـا اقدامـات خودسـرانه در کشـور بـود..

نظارت بر سازمان

بعـــد از دیـــدار عمومـــی کـــه رهبـــری بـــا کارکنـــان ســـازمان بازرســـی داشـت، در ملاقاتـــی خصوصـــی، رهبـــری بـــه او پیشـــنهاد داد در ســـازمان کـــه مرجـــع عالـــی نظارتـــی اســـت، از خودشـــان هـــم غافـــل نشـــوند و بخشـــی هـــم بـــرای نظـــارت درون ســـازمانی راه بیاندازنـــد تـــا بـــه کار بازرســـان و کارشناســـان نظـــارت کنـــد. ســـرش را پاییـــن انداخـــت و گفـــت کـــه شـــش ماهـــی اســـت چنیـــن بخشـــی در ســـازمان راه انـــدازی شـــده تـــا عملکـــرد نیروهـــا بـــه صـــورت نامحســـوس ارزیابـــی شـــود و گـــزارش بخـــش مربوطـــه را بـــه مقـــام معظـــم رهبـــری نشـــان داد. لبخنـــدی روی لـــب هـــای رهبـــری نشســـت و از ایـــن تدبیـــر بـــه جـــا تشـــکر کـــرد

طرح ترور

منافقیـــن داخـــل زنـــدان شـــنیده بودنـــد عملیـــات فـــروغ جاویـــدان شکســـت خـــورده. تصمیم گرفتنـــد هـــر طـــور شـــده بـــزرگان دســـتگاه قضـــا را تـــرور کننـــد؛ حتـــی اگـــر بـــا چاقوهـــای دست ســـازی باشـــد کـــه در همـــان زنـــدان و بـــا ســـاییدن قاشـــق ســـاخته بودنـــد.ســـید ابراهیـــم جـــزو اولیـــن گزینـــه هایشـــان بـــود. خبـــر برنامـــهی تـــرور خـــودش را کـــه شـــنید، ســـکوت کـــرد.

بـــا وجـــود ایـــن رفتارهـــای منافقیـــن، او دســـتور داده بـــود کـــه اگـــر ذرهای ندامـــت در رفتـــار اعضـــای ســـازمان منافقیـــن مشـــاهده شـــد، مشـــمول رافـــت اسلامی قـــرار بگیرنـــد..



رئیسی؛
رجایی زیست،
بهشتی شد

خدمتگزار

رهبر انقلاب در پیام تسلیت:

رئیسی عزیز خستگی نمیشناخت.
در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی
و مخلص و با ارزشی را از دست داد.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۲/۳۱



رئیسی
رجایی زیست،
بهشتی شد

پرتلاش

رهبر انقلاب در پیام تسلیت:

با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشتِ شهادت گونه‌ی عالم مجاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم الرضا علیه‌السلام جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم.

KHAMENEI.IR | ۱۴۰۳/۰۲/۳۱

هدیه ویژه دادستان!

آمده بود دادستانی و می گفت در جوانشهر کرج، چندین قطعه زمین ۴۰۰ متری دارد و می خواهد یکی از آنها را به دادستان بدهد تا با صلاحدید خودش، مبلغش را بین افراد نیازمند شهر، تقسیم کند.

هرچه اصرار کرد سید ابراهیم قبول نکرد.

یکی از معتمدین شهر راواسطه کرد تا سید ابراهیم را راضی کند، اما فایده نداشت. حتی گفت زمین را به دادستان می بخشم اما باز هم قبول نکرد. سید ابراهیم آب پاکی را روی دستش ریخت:

«نه برادر!»

بهتر است بروید با کمیته امداد صحبت کنید. اگر من که در این شهر هیچ چیز ندارم و حتی شبها هم در دادسرا می خوابم این زمین را قبول کنم، هزار فکر نابجا در ذهن مردم می آید و دیگر نمی توانند به من اعتماد کنند

ژست عکاسی

سید ابراهیم آمده بود بازدید مناطق عملیاتی شلمچه. داشتیم قدم می زدیم که یکی از رفقا آهسته به من گفت: حاج آقا رو بکش به سمت سیم خاردارها تا بتونم یه عکس خوب خبری ازشون بگیرم. آقای رئیسی حرف های مان را شنید. برای همین چرخید و راهش را عوض کرد

راه تو راه حاج قاسم بود

ای ولایت مدار بی همتا

اصلاح از مجری

سازمان بازرسی در زمان مدیریت سید ابراهیم، نمایشگاهی برپا کرد با محوریت بررسی و آسیب شناسی فساد در سیستم اداری کشور. نمایشگاه، محرمانه بود و فقط مسئولین از آن بازدید می کردند.

آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس جمهور وقت، روز آخر که برای بازدید به نمایشگاه آمد، گفت «مغبون» شدم که امروز آمدم.

می گفت کاش زودتر می آمدم و می دیدم. سید ابراهیم دنبال اصلاح ساختارهای فساد خیز کشور بود، اما انگار این اصلاح، باید از قوه مجریه شروع شود

یادش بخیر وقتی شما رئیس بودید

تازه ریاست سازمان بازرسی کل کشور را به عهده گرفته بود و دادستانی را تحویل داده بود که خبر دادند در دادگاه انقلاب حادثه ای رخ داده و چند نفر شهید و زخمی شده اند. یکی از زخمی ها، حاج عباس شیرازی (مدیر انتظامات دادگاه انقلاب) در بیمارستان بستری بود. به ملاقاتش رفت.

حاج عباس با دیدن او، سر حرف و گلای هاش باز شد:

«شما در آن دوران هفته ای سه روز می آمدی صبحانه را با ما در انتظامات می خوردی و بعد به اتاقت می رفتی. اما از روزی که شما رفتی دیگر ما حتی معاون را هم نمی بینیم»!

در عدالت مرید راه علی

در اطاعت مطیع امر ولا



جوان ریش سفید!

به محافظ گفتم، کاش صندلی می‌گذاشتید برای سید. لبخندی زد و گفت: «به ریش‌های سفیدش نگاه نکن. هنوز جوانه و پرشور. ما از دست‌شان پیر شدیم. حاج‌آقا از ۵ صبح تا ۱۱ شب مشغول کارن.»



اتاق خدمت!

یکی از همکاران پیشنهاد داد، بهتر است بگوییم بیایند اتاق را بازسازی کنند و موکت جدید بزنند. سید ابراهیم با لحن جدی گفت: «بچه‌های سازمان به نان شبشان محتاج هستند. آن وقت من بیایم این اتاق را بازسازی کنم؟!»

سید ابراهیم مردمی

هیــچ وقــت از مــردم جــدا نبــود. چــه در دوران طلبگــی اش چــه در دوران مســئولیتش. همیشــه در اجتماعـات مردمــی و نماز جمعـه و جماعـت حاضـر بــود و همیشـــه هــم بــا مــردم بــود.

اطلاعاتش از مســائل کاری و مســائل جامعــه از راه همیـن ارتباطـات مردمـی بـود؛ نــه فقــط دســتگاه هــای اطلاعاتی. در ســازمان بازرســی یــک روز در هفتــه را اختصــاص داده بــود بــه دیدارهــای مردمــی.

مــردم از قبــل ثبــت نــام مــی کردنــد و ســه شــنبه هــا بــرای بررســی مشکالتشــان دعــوت مــی شــدند. گاهــی روزهــا تــا ۱۵۰ نفــر بــه دیدنــش مــی آمدنــد. حــرف همــه را مــی شــنید و تــا جایــی کــه از دســتش بــر مــی آمــد مشکل شـــان را حــل مـــی کــرد..

پرکار همچون جوانان

در یکــی از برنامــه هــای ســخنرانی آقــای رئیســی کنــار یکــی از محافظـان نشسـته بــودم. وقتــی آقــای رئیســی بــرای ســخنرانی رفــت پشــت تریبــون، بــه محافــظ گفتــم کاش یــک صندلــی مــی گذاشــتید تــا آقــا ســید نشســته ســخنرانی کنــد. گفـــت: بـــه ســـر و رو رویـــش نـــگاه نکـــن. فقـــط ریـــش هایـــش ســـفید شـــده؛ هنــوز جــوان هســتند و پرشــور. بعــد بــا خنــده گفــت: مــا از دســت ایشــان پیـــر شـــدیم؛ حـــاج آقـا از ۵ صبـح تـا ۱۱ شـب مشـغول کار هسـت

در سیل بلاها عوض کاخ نشینی

دیدیم تو را خاک نشین با کپری‌ها

پیــکان رئیــس ســازمان بازرســی کل کشــور

بعــد از جلســه پرســش و پاســخ دانشجویی در دانشــگاه شــریف آقـــای رئیســـی از ســالن بیــرون آمــد

چنــد نفــر از دانشــجوها خودشــان را بــه همراهانــش رساندند و پرسیدند:

ماشـــین آقـــای رئیســـی کـــو؟

گفتند: همیـــن پیــکان!

دانشــجوها بــا تعجــب گفتنــد جـــدی؟! همیــن؟!

بــاورش برایشــان خیلــی ســخت بــود.

بعــد چنــد نفــر بــه کنایــه از ماشــین دیگر دولــت مــردان شعار دادنــد:

بیت المال حیا کـن، مسئولانو رهـا کـن!

آن موقـع، اسـتاندار تویوتــا کریســیدا داشـــت!

موقــع خداحافظــی بحــث عـوض شـد و شـروع کردنـد بـه تعریـف و تمجیــد از آقـــای رئیســـی و روبوســی

یک آپارتمان قسطی

طبــق اصــل ۴۹ قانــون اساسی، اختیــار امـوال بــدون صاحــب و مجهــول المالــک دســت او بــود. تمــام ایــن امــوال حکـم عــام را داشـــتند و او اجــازه دخـل و تصــرف در آنهـــا را داشــت. اما از مـال دنیـا فقـط یـک آپارتمـان دارد کـه شــراکتی و قســطی خریــده؛ بــا یــک زندگــی عــادی و معمولــی مثـل همــه مــردم

دیدیم صفای تو و صافی تو، وقتی

خون بود دل ملتی از حیله گری‌ها



کار بدون توقع

هر روز ۱۸ ساعت کار می‌کرد. عقیده داشت، باید خودش را به سختی بیاندازد تا یک گوشه از مملکت پا بگیرد.



ورود غیرمردم ممنوع

سازمان بازرسی یک روز از هفته را اختصاص داده بود به دیدارهای مردم. سه‌شنبه‌های هر هفته، حدود ۱۵۰ نفر از مردم مشکلات‌شان را می‌گفتند و تا جایی که از دست‌ش برمی‌آمد، حل می‌کرد.

اشراف سازمان بازرسی بر عملکرد وزارتخانه ها

بعد از اینکه مقام معظم رهبری دستور داد با فساد اقتصادی مبارزه شود،سه سال متوالی، نمایشگاهی تشکیل داد و همه سازوکارهای اداری دستگاههای کشور را به نمایش گذاشت. اسمش را هم گذاشت نمایشگاه آسیب شناسی دستگاه های اداری کشور. هر وزارت خانه را در یک غرفه بزرگ به نمایش گذاشته بودند و اول هم خود وزیر را دعوت می کردند تا از نگاه سازمان بازرسی، وزارت خانه اش را ببینند. تمام مدیران و کارشناسان ارشد آمدند از نمایشگاه دیدن کردند. همه میگفتند ما نمیدانستیم سازمان بازرسی اینقدر دقیق به دستگاهها و وزارت خانه ها نگاه میکند. با این کار نگاه خیلی ها نسبت به سازمان بازرسی تغییر کرد. فهمیدند که سازمان بازرسی دنبال مچ گیری نیست، بلکه عیب شناسی میکند

توبیخ وزیر!

مدت کوتاهی از آغاز به کارش در سازمان بازرسی نگذشته بود که با خبر شد یکی از بازرسان سازمان را در حال تهیه گزارش از وزارت بهداشت کتک زده اند. پانچ را به سینه بازرس کوبیده و زخمیاش کرده بودند. سید ابراهیم فورا با وزیر بهداشت وقت تماس گرفت و او را احضار کرد. توضیح خواست و جایگاه سازمان را به او یادآوری کرد. وزیر قول داد که دیگر چنین اتفاقی تکرار نشود و تکرار هم نشد

یک عمر شریف و با صلابت بودی

دلداده و عاشق ولایت بودی

پیگیری شخصی

پیـــام هـــاي مردمـــی کـــه از طریـــق کانـــال تلگـــرام بـــه دســـتش مـــی رسـید، دو بخـــش داشـــت. بخشـــی مربـــوط بـــه درخواســـت مـــردم بـــراي دریافـــت غـــذاي حضرتـــی کـــه بـــه دســـتور او فیـــش غـــذا در اختیارشـــان گذاشـــته مـــی شـــد و بخـش دوم پیـــام هـــاي درخواســـت های خـــاص بـــود. خیلـــی از کســـانی کـــه دچـــار محرومیـــت و گرفتـــاری بودنـــد و امیدشـــان از همـــه جـــا قطـــع شـــده بـــود بـــه امـــام رضـــا(ع)متوســـل شـــده بودنـــد. از زنـــان سرپرســـت خانـــوار بـــا فرزنـــدان یتیـــم تـــا مـــردم کـــه در بـــه در دنبـــال کار مـــی گشـــتند .بـــه مســـئول کانـــال دســـتور داده بـــود ایـــن پیـــام هـــا را وارد سیســـتم اداري نکنـــد تـــا یـــک وقـــت دیـــر رســـیدگی نشـــود. خـــودش شـــخصا پـــی گیـــر بـــود تـــا مشـــکل حـــل شـــود..

حق برای حق دار

در یکـــی از دیدارهـــا بـــه او گـــزارش دادنـــد یکـــی از مدیـــران آمـــوزش و پـــرورش بـــا گـــزارش خالف واقـــع بازرس ســـازمان، بـــدون هیـــچ تقصیـری برکنار شـده. آن قـدر پیگیـــری کرد تـــا مشـــخص شـــد حـــق بـــا مدیـــر برکنـــار شـــده بـــوده است. بـــازرس ســـازمان را برکنـــار و مدیـــر را بـــه جایـــگاه قبلـــی اش برگرداند.

اقای رئیســـی در هـــر منصبـــی کـــه حضـور داشـت، رویـــه اش همیـــن بـود. حـق را بـــه حـــق دار مـی رســـاند. از ســـازمان بازرســـی گرفتـه، تـــا دادســـتانی کل کشـــور و معاونت قـــوه قضاییـــه

آخر به مراد دل رسیدی سید

آنقدر که تشنه‌ی شهادت بودی

متواضع و خاکی

بیش از یازده سال بود که آقا سید ابراهیم را از نزدیک ندیده بودم. . دو سه روز پیش، دوباره او را دیدم؛ ولی این بار در کسوت متولی آستان قدس بزرگ و شریف. هیچ فرقی نکرده بود؛ جز سر و رویی که سپیدتر شده بود و نورانی تر! همان که بود مانده؛ مردمی، قبراق، خنده رو، پیگیر، گیرا و خاکی!

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



الجبهة العالمية لشباب المقاومة

در میان مـــــردم

ایـام پیـاده روی اربعیـن، در مـرز مهـران همراه آقـای رئیسـی بودیـم. وقتـی مـردم متوجـه حضـورش شـدند، آمدنـد سمت او. محافظان جلوی مـردم را گرفتنـد و نمـی گذاشتند جوان ها جلوتـر بیاینـد. اولیـن بـاری بـود کـه آقـای رئیسـی را اینقـدر ناراحـت مـی دیـدم. بـه محافـظ هـا تشـر زد و گفـت بـا مـردم کاری نداشـته باشـید.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



اول تحقیق بعد اقدام قاطع

زمانـی کـه آقـای رئیسـی کـم و کسـری در اموال آسـتان قدس را دید، مسـئولین مربوطـه را بازخواست کردنـد. چندمـاه هـم بـه تیـم تحقیقاتـی فرصت داد کـه مدارک و اطلاعات موثقـی پیـدا کنند. آقای رئیسـی نمی خواسـت بـدون تحقیـق و تهیـه مـدرک، وارد کار بشـود و تیـم قبـل از خودشـان بی حرمـت بشـوند. چنـد مـاه صبـر کردنـد. سیسـتم اطلاعاتـی کار کـرد؛ خـود دسـت اندرکاران شـرکت هـم همـکاری کردنـد و حرمت ها را نگـه داشـتند. اما وقتـی بـه او گفتیم همه ایـن تلاش هایـی کـه کرده ایـد و تذکرهایـی کـه داده ایـد هیـچ ثمـری نداشـته و شـخص متخلـف بایـد محاکمـه شـود، دیگـر صبـر نکـرد. وقتـی بـه یقیـن رسـید اقـدام قاطـع کـرد و کسـی کـه سـال هـا در آسـتان قـدس در بالاتریـن رده فعالیـت مـی کـرد را بـا دلیـل و مـدرک کافی بـه قـوه قضاییـه معرفـی کـرد

خاطره ای از ابراهیم رئیسی

بـه همـه مسـئولین و مدیـران آسـتان رضـوی سـپرده بـود کـه نبینـم زائـری بـه خاطـر عـدم امکانـات بـی سرپنـاه و بـدون جـای خـواب در کنـار حـرم بیتوتـه کـرده باشـد. دریکـی از سرکشـی کـه انجـام میدهـد مـی بینـد کـه در اطـراف حـرم چنـد خانـواده روی پتوهـای خودشـان در زیـر گـذر حـرم خوابیـده انـد. سریـع بـه مسـئولین مربوطـه خبر داد و ظـرف چنـد دقیقـه مشـکل زائریـن امـام رضـا ع) حـل شـد.

چشم انتظار دیدنت گشتند

حتی شهیدان خدایی هم

بی تعارف، حتی با رئیس جمهور

مسـئول دفتـر رئیس جمهـور پشـت خـط بـود.سید ابراهیـم بیسـت سـاله، دادسـتان کـرج، تلفـن را برداشـت

«شـما فلانـی را بازداشـت کردیـد؟

رئیـس جمهـور دسـتور مـی دهـد هـر چه زودتر آزادش کنید.»

در ذهنـش مـرور کـرد و یـادش آمـد ایـن آقا تخلـف سـنگینی داشـته و از نزدیـکان رئیـس جمهـور اسـت. بعـد گفـت:

«بـه آقـای بنی صدر سـلام بنـده را برسـانید و بگویید این تصمیم دادسـتان و قاضـی اسـت و هیچ کس حـق لغـو حکـم قاضـی را نـدارد.»

مسئول دفتـر رئیـس جمهـور کـه عصبانی شـده بـود،

بـا لحـن تنـدی خطاب بـه او گفت:

«شـما مـی فهمیـد چـه مـی گوییـد؟!

ایـن دسـتور رئیـس جمهـور اسـت.»

او هـم بـا آرامـش همیشـگی جـواب داد: «ایـن خواسـته رئیـس جمهـور، دخالـت در کار دادسـتانی است و قانـون بـه ایشـان چنیـن حقـی نمـی دهـد.»

مسـئول دفتر کـه از قاطعیـت او عصبانـی شـده بـود، بـدون خداحافظـی ارتبـاط را قطـع کـرد و بنـی صـدر هـم دیگـر پیگیـر آزادی آن فـرد نشـد

آن سو بهشتی بی‌قرار تو

آن سوتر انگاری رجایی هم



شهید جمهور



شهید جمهور

رفع درد غربت

کرج آن روزها شهری بود کوچک، در حاشیه تهران که جنگ زده های از خانه رانده و از تهران مانده، به آن پناه می آوردند. وضعیت نامناسب اسکان جنگ زده ها را که دید، با اینکه در حیطه وظایفش نبود و کسی از دادستان جوان شهر انتظاری نداشت، تصمیم گرفت برایشان کاری کند. آنقدر رفت و آمد و پیگیری کرد تا برای بسیاری از جنگ زده های آواره در کرج، خانه فراهم شد. احتمالا جنگ زده های آن روز، هنوز از طلبه جوانی که پیگیر کارهای اسکان شان در شهر غریب بود، خاطرات خوشی دارند

دستگیری به جای مچ گیری

رئیسی در دوره طلایی سازمان بازرسی، رویکرد سازمان را از مچ گیری به هدایت و دستگیری تغییر داد. این تغییر رویکرد در همه ارکان سازمان جاری شده بود. یک نمونه بارزش، این بود که قبل از ارسال هر گزارش به نهادهای قضایی، مدیر مربوطه به سازمان دعوت میشد، در جریان جزئیات پرونده‌هاش قرار میگرفت و اجازه داشت از خودش دفاع کند. اگر میتوانست سازمان را قانع کند پرونده بایگانی میشد و به نهاد قضایی فرستاده نمیشد. همین عملکرد، نگاه نهادهای دولتی به سازمان را از عنصری خبرچین به دوستی خیرخواه و مصلح، تغییر داده بود

به آسمان زد و، چون نور بی نهایت شد

پرنده پر زد از این خاکدان و راحت شد

کار بدون توقع

با وجود فضای رسمی دادستانی، فضایی صمیمی را به وجود آورده بود به خاطر ویژگی های اخلاقی اش، دیگران به راحتی می توانستند رابطه برقرار کنند.

هیچ کسی در سخت کوشی و دقت در کار قضایی به پای او نمی رسید. هر روز از صبح سر کار حاضر می شد. ۱۸ساعت کار کردن (آن هم کار پرمشغله ایشان) واقعا دشوار بود. قلبا عقیده داشت که باید خودش را به سختی بیاندازد، تا یک گوشه از مملکت پا بگیرد. با اینکه دائما سر و کارش با مجرم و متهم بود، در نهایت احترام و در عین حال با قاطعیت و قانونمداری، با آنها رفتار میکرد..

فراتر از یک دیپلمات

سید ابراهیم رئیسی در دوره ریاست آیت اهلل هاشمی شاهرودی بر قوه قضاییه، ۵ سال پشت سر هم در جمع سفرا و نمایندگان ایران در کشورهای خارجی درباره مسائل کلان جهانی سخنرانی می کرد. هر کدام از این افراد هم در حوزه روابط بین الملل برای خود رجلی به حساب می آمدند. با این حال، صحبت های او برای تعیین سیاست مناسب نسبت به مناطق مختلف جهان به حدی با واقعیت همخوانی داشت که همه حضار می گفتند: رئیسی این نکات را از کجا می داند؟

کسی که پاک و شهیدانه زندگی می‌کرد
عجیب نیست اگر لایق شهادت شد



شهید جمهور



شهید جمهور

سـرزنش هـا گـر کنـد خـار مغیـلان غـم مخـور

فـردای دیـدار دانشـجویی در دانشـگاه شـریف روزنامـه ابـرار آن موقـع شـیطنت کـرد و نوشـت آقای رئیسـی برای جلسـه پرسـش و پاسـخ در خصوص سـازمان بازرسـی به دانشـگاه رفتـه بـود که دانشـجوها با «شـعار مسئولین حیا کنیـد، بیت المـال رو رهـا کنیـد» ایشـان را بدرقـه کردنـد! بعـد از ایـن ماجـرا رفتـم با مدیـر مسـئول روزنامه صحبت کردم. بـه او گفتـم الاقـل یـه جـو انصاف داشـته بـاش؛ بـه قـول امـام حسـین (ع) اگـه دیـن نـداری آزاده بـاش. جلـو چشـم مـن ایـن اتفاقـات افتـاده؛ ماشین آقـای رئیسـی پیـکان بـوده و ایـن شـعارها در حمایـت از آقـای رئیسی بـود. او هـم گفـت یکی از بچه های مـا شـیطنت کـرده اسـت. بعـد هـم عذرخواهـی کـرد. من رفتـم پیـش آقـای رئیسـی و ماجـرا راگفتم. بـا آرامش گفـت: «در بیابـان گـر بـه شـوق کعبـه خواهـی زد قـدم، سـرزنش ها گـر کنـد خـار مغیـان غـم مخـور» و گفـت: «مـا عـددی نیسـتیم؛ دیگـران رفتن سینه سـپر کردند و شهید شـدند مـن یک بچـه سـرباز بیشـتر نیسـتم، بـه کجـا بر می خـورد؟»

چشم همه در آرزوی دیدن توست

دلتنگ تلاش تو، نخوابیدن توست

حالا که سیاهی شب تلخ گذشت

خورشید بتاب وقت تابیدن توست

سازمان؛ قبل و بعد از سید ابراهیم!؟

آقای رئیسـی سـازمان بازرسـی کل کشـور را در حالـی تحویل گرفـت کـه گمنـام و متـروک بـود و دولـت اعتبـاری بـرای آنجـا و کارکنـان و بازرسـانش قائـل نبـود.سـازمان حتـی سـاختمان و امکانـات اولیـه را هـم نداشـت.

سـیصد نیـروی بـازرس داشـت کـه ماهـی ۱۵ هـزار تومـان بیشـتر حقـوق نمـی گرفتنـد. در سـازمان بـرای ایـن تعـداد بـازرس فقـط ۱۵۰ میـز بـود کـه نوبتـی پشـت میزهـا مـی نشسـتند و گـزارش کارشـان را مـینوشـتند

وقتـی ده سـال بعـد سـازمان را تحویـل داد، رفاه و معیشـت کارکنـان تأمیـن شـده بـود. دیگـر کسـی نبـود کـه ندانـد سـازمان بازرسـی چـه نقشـی دارد.

مدتـی بعـد از رفتـن او از سـازمان، کارکنـان بـه سـاختمان جدیـد منتقـل شـدند. جایـی کـه بـا همـت و تـلاش او سـاخته شـده بـود، ولـی هرگـز خودش بـه عنـوان رئیـس سـازمان بازرسـی در آن پـا نگذاشـت

بـه اعتـراف همـه متخصصـان، دوره مدیریـت سـید ابراهیـم رئیسـی، دوران طلایـی سـازمان بازرسـی کل کشـور بـود..

آن قدر ز میز خدمتت دور شدی

با مردم پابرهنه محشور شدی

سلطان خراسان به تو مزدت را داد

خادم بودی ... شهید جمهور شدی

مبارزه با فساد سازمانی

سـید ابراهیـم بـه فسـاد موجـود در سـازمان تحـت مدیریتـش به شـدت حسـاس بـود. شـیوه مدیریتـی اش طـوری بـود کـه بخشـی را بـرای نظـارت درون سـازمانی فعـال میکـرد. ابتـدای انقـلاب هـم سـازوکار ویـژه ای را بـرای نظـارت محسـوس و غیرمحسـوس بـر قضـات و کارمنـدان دادسـتانی انقـاب تـدارک دیـده بـود.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



دستگیری به جای مچ گیری

سید ابراهیم در دوره طلایی سازمان بازرسی، رویکرد سازمان را از مچ گیری به هدایت و دستگیری تغییر داد.

این تغییر رویکرد در همه ارکان سازمان جاری شده بود. همین عملکرد، نگاه نهادهای دولتی به سازمان را تغییر داده بود.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



صفای طلبگی

سید ابراهیم رئیسی از اول طلبگی هم با صفا و بی شیله پیله بود. آن موقع ها با او گاهی به جمکران می رفتیم؛ گاهی پیاده و گاهی هم با اتوبوس. روز به روز هم با هم مانوس تر می شدیم. دلیلش این بود که آدم پیچیده ای نبود. الآن هم فرقی نکرده؛ چه در قوه ی قضاییه و چه در تولیت آستان قدس، هنوز هم ظاهر و باطنش یکی است. مسئولیت ها روی شخصیت ایشان اثری نگذاشته. هیچ وقت از موضع بالا با کسی برخورد نمی کند. گاهی هم اگر چیز می خواهد با شوخی و ادبیاتی دوستانه مطرح می کند و هیچ وقت به واسطه مسئولیت برای خودش شأنی قائل نبود

گره گشایی از کار ولی نعمتان انقلاب

تازه انقلاب شده بود و اقتصاد کشور رونق الزم را نداشت. عده ای هم از روستاها به شهرها آمده بودند و به دنبال کار بودند. پیاده روهای اصلی کرج پر شده بود از دست فروش هایی که عبور و مرور مردم را با مشکل رو به رو کرده بودند. سید ابراهیم این گره را باز کرد، اما نه با دندان، بلکه با دست! دستور داد، جایی را برای دست فروشها پیدا کنند تا به آنجا منتقل شوند. با این کار هم زندگی و رفت و آمد مردم راحت شد، هم دست فروشهای مستضعف از کار بیکار نشدند.

غلام بارگه آستان قدس رضا

شب ولادت او راهی زیارت شد

مبارزه با فساد سازمانی

سـید ابراهیـم رئیسـی بـه فسـاد موجـود در سـازمان تحـت مدیریتـش به شـدت حسـاس بـود. شـیوه مدیریتـی اش طـوری بـود کـه بخشـی را بـرای نظـارت درون سـازمانی فعـال میکـرد. ابتـدای انقـلاب هـم سـازوکار ویژه ای را بـرای نظارت محسـوس و غیرمحسـوس بـر قضـات و کارمنـدان دادسـتانی انقـالب تـدارک دیـده بـود. بـه محـض ورود بـه سـازمان بازرسـی، مجموعـه ای تحت عنـوان نظـارت داخلـی ایجـاد کرد. ایـن حرکـت ابتـکاری، بعدهـا توسـط رهبـر معظـم انقـلاب تجلیـل شـد. در سـمت معـاون اولـی قـوه قضاییـه هـم اداره کلـی بـرای نظـارت بـر طـرح ها و دسـتورالعمل های قـوه تاسـیس کـرد

سه شنبه های مردمی

سـه شـنبه هـر هفتـه روز خاصـی بـود؛ روز دیدارهـای مردمـی. در بعضـی از سـه شـنبه ها سـید ابراهیم، میـزش را بـه راهرو انتقـال می داد و تـا شـب مـی نشسـت تـا مـردم بیایند و از مشکلات شـان بگوینـد و گاهـی اوقات سـرش فریـاد بزننـد!

او هـم بـا کمـال آرامـش آنهـا را مـورد لطـف قـرار میـداد و قـول میـداد کار آنهـا را پیگیـری کنـد. واقعـا تا آنجـا کـه در تـوان داشـت، پیگیـری می کـرد. گاهـی تعـداد ایـن مراجعیـن بـه ۱۵۰ نفـر در روز می رسـید کـه بـا همـه آنهـا بـا روی بـاز برخـورد می کـرد و حـرف هایشـان را می شـنید..

شهادت آمد و دستش گرفت و با خود برد

دعای خادم خوان رضا اجابت شد



تو سوختی و نورٌ علی نور شدی
با هرچه شهیدِ عشق، محشور شدی
دیدیم ریاستَت فقط خدمت بود!
خادم بودی، شهیدِ جمهور شدی



در ما قیامت کن قیامت سید ابراهیم
ای صاحب جود و کرامت سید ابراهیم
ما را خبر از خویش بی خود کرده، اما تو.
اما تو راحت باش راحت سید ابراهیم
تو شاد از دیدار با ما مردم دلتنگ
ما خسته از دنیای غربت سید ابراهیم
از ابتدا هم تو شهید زنده‌ای بودی
سهم تو شد آخر شهادت سید ابراهیم
دیدار با تو بار دیگر آرزوی ماست
دیدار ما روز قیامت سید ابراهیم

از التهاب تا آرامش

بعـد از قضایـای ۱۸ تیـر ۷۸ و شـلوغی دانشـگاه هـا، دانشــگاه صنعتـی شـریف سـید ابراهیــم را بــرای ســخنرانی دعـوت کـرد. گفتنـد بـا محافـظ برویـد امـا قبـول نکـرد. میگفــت دانشــگاه محفــل علمــی اســت و نبایـد بـا رویکـرد امنیتــی برخــورد کــرد. آن هــم در اوج درگیـری هـای دانشــگاهی کــه بیشــتر مســئولین جرات نمی کردنــد بــه دانشــگاه هــا برونــد. وقتــی رسـید سـالن اجتماعــات دانشگاه پــر شــده بــود. دانشــجوها شــعار نمــی دادنــد ولــی فضــا ملتهــب بــود. آقــای رئیســی رفـت پشــت تریبــون؛ یکـی سـوالات را مــی خوانــد او جــواب مــی داد، بعضــی از دانشــجوها هــم شــفاهی مــی پرســیدند. آقــای رئیســی بــا آرامــش بــه همــه سوال هـا جـواب داد. تقریبـا دو سـاعتی طـول کشـید. آرامـش آقـای رئیســی و پاسـخ هـای دقیـق و روشـنگرانه اش دانشـجوها را هـم آرام کـرد..

روایت خبرگزاری تسنیم، از همسر شهید رئیسی درباره یک دروغ!؟

ماجـرای آن روزی کـه آیـت اللـه رئیسـی در قـم سـخنرانی داشـتند بعـد سـخنرانی ایشـان در قـم کنسـل شـد و گفتنـد مقـام معظـم رهبری ایشـان را به بیـت فراخواندند چـه بـود؟ ایـن یـک دروغ بـود. ایشـان اصلاً در مشـهد بـود. اتفاقـا مـن خـودم قـم بـودم و در موسسـه امـام خمینـی(ره) ارائـه مقالـه داشـتم. آنقـدر مـردم پرسـیدند کـه آخـر مـن خـودم شـک کـردم و زنـگ زدم کـه ایشـان گفتنـد مـن مشـهدم

گشتیم دنبال پر و بالت

گفتند دیگر وا نخواهد شد

از خانه دنیا تا منزل آخرت

بــه ســید ابراهیــم پیشــنهاد دادند خانه رانــنده ی جمشــید آمــوزگار (نخســت وزیــر اسبق شــاه)همراه بــا بخشــی از بــاغش کــه حــدود ۸۰۰ متــر مــی شــد، بــا قیمــت ارزان بخــرد، ولــی قبــول نکــرد.

ســید ابراهیــم معتقد بــود مردم انقــلاب نکردنــد کــه مدیرانشــان برونــد در خانه هــای اشــرافی زندگــی کننــد.

بــرای همیــن عصرهــا، کارش‌کــه تمــام مــی شــد راه مــی افتــاد در تهران و مــی رفــت ســراغ بنــگاه هــای املاک محل تــا بــرای زن و بچــه اش خانــه پیــدا کنــد

بالاخــره بــه هــر زحمتــی بود، بــا پــول خــودش خانــه خریــد. البتــه نصــف پــول را قــرض کــرده بــود و تــا مدت هــا داشــت قرض هایــش را صــاف می کــرد، آن هــم زمانــی کــه یکــی از آدم هــای شــناخته شــده قــوه قضائیه بــود، آقــای رئیســی..

سردار حسین اشتری؛ فرمانده سابق فراجا

بـا توجـه بـه صحبت‌هایـی کـه بـا آقـای رئیسـی داشـتم، می‌دانـم کـه چقـدر ایشـان دلتنـگ حـاج قاسـم بـود و بارهـا از خـدا خواسـته بـود تـا بـه دیـدار یـاران شـهیدش ماننـد سردار سـلیمانی و شـهید بهشـتی برونـد و اکنـون او بـه آرزویـش رسـیده و بـه دیـدار حـاج قاسـم رفتـه اسـت. منبـع: تسـنیم

جز بالگرد سوخته چیزی

پیدا نشد، پیدا نخواهد شد


دل پر آشوب مادر، آرام گرفت...



دوران طلایی

رئیسی دنبال این بود که خودش شناخت دقیقی از مسائل جاری در سازمان داشته باشد. برای همین اشرافش بر مسائل دستگاه های مختلف کشور شگفت آور بود. وقتی در جلسات هیات دولت شرکت می کرد، با چنان تسلطی از آسیب ها و گلوگاه های فساد در وزارت خانه ها صحبت می کرد که برخی از اعضاء می گفتند: رئیسی خودش یک پا وزیر است.

این اظهار نظرهای کاملا تخصصی و به جا آنقدر اثرگذار بود که رئیس جمهور وقت، علیرغم تفاوت سلیقه سیاسی، تعامل وسیعی با سازمان بازرسی را تعریف کرد و اکثر اوقات، نظرات، تذکرات و پیشنهادات سازمان را عینا به وزارتخانه های مربوطه برای پیگیری میداد

ساده زیستی شهید رئیسی

خانم علم الهدی، همسر شهید سیدابراهیم رئیسی نقل می کند که، ما زندگی خیلی معمولی داریم اما در همین مورد هم با حاج آقا خیلی درگیریم. برای عوض کردن هر اسباب خانه باید کلی نقشه بکشم. خود ایشان با همان ماشین های سمند اداری جابجا می شوند.

حتی اقوام که ماشین شاسی بلند دارند می گویند به ایشان بگوئید ماشین شان را جلوی خانه ما نزنند، مردم فکر می کنند ما از این ماشین ها سوار می شویم. سید ابراهیم تمام جوانب را رعایت می کنند تا خدای نکرده از زندگی ساده دور نشوند

گرمی یک سلام

نیروهـاي بخـش تعمیـرات اتومبیـل هـاي سـازمان بـازرسي کل کشـور، گمنـام تریـن نیروهـا بودنــد. کــار و فعالیتــشان زیـاد بـود، امـا کـمتر مـورد توجـه مسـؤولین سازمان بودند. توقــع زیــادی هــم نداشــتند؛ بــه یــک ســالم و احــوال پرســی هــم راضــی بودنــد، امــا بالادستي هـا آن را هـم از ایشــان دریغ میکردند. چند روزي از تحویـل مسـؤولیتش نگذشـته بود که خواسـت بـا اتومبیــل بــه دیـدار رئیس وقــت قـوه قضائیـه بـرود. در کنـار اتومبیـل او یکـي از مکانیک هــا بــا لبــاس فــرم مخــصو ص مکانیکــی کـه بـه تـن داشـت، مشـغول تعمیـر اتومبـیلي بـود. جلـو رفت. سالم و احوالپرسي گرمــي بــا او کــرد و خــدا قــوت گفت.

بعـد هـم سـوار اتومبیـل شـد و رفـت. هنـوز مکانیـک در بُهـت برخـورد رئیـس جدیـد سـازمان بازرسـي کـل کـشور بـا خــودش بود که همکارانش دوره اش کردند: «نگفتـه بـودي بـا رئیـس جدیـد نسـبت فامـیلي داري؟»

مکانیـک قسـم خـورد کـه اولیـن بـار بـوده کـه او را دیــده، امــا کسي زیـر بـار نمـي رفـت. مـدت زیـادي طـول نکشـید کـه بقیـه مکانیـک هـا و نیروهـاي سـازمان هـم مهرباني رئیس جدیــد بــا نیروهایــش را چشـیدند

شعری که غلامعلی حدادعادل در سوگ رئیسی نوشت:

بر جانِ عطشناکِ بشر، باران است
سرسبزترین مرحله‌ی عرفان است
ای کاش در آغوش بگیرد ما را
هرچند«شهادت هنرِ مردان است»



گرمی یک سلام!

یکی از مکانیک‌ها مشغول تعمیر بود. جلو رفت. سلام و احوالپرسی گرمی با او کرد و بعد هم رفت. هنوز مکانیک در بُهت این برخورد بود که همکارانش دوره اش کردند: «نگفته بودی با رئیس جدید فامیل هستی. مکانیک قسم خورد که اولین بار بوده که او را دیده.»



بالاتر از قانون!

خلخالی با عصبانیت داد زد: «بالاتر از تو هم نمی‌تواند این کار را انجام بدهد.» سیدابراهیم آرام گفت: «من این کار را کردم و شد. به بالاتر از ما هم سلام برسانید. اگر در کرج من مسئول هستم نمی گذارم کار غیر قانونی انجام بشود.»

نماینده همه اهل سنت و شیعه

سنی و شیعه ندارد؛ او تقریبا به تمام روستاهای خراسان جنوبی سر زده و با مردمانش نشست و برخاست داشته. برای همین است که تقریبا کل استان می شناسندش و رأی او در انتخابات خبرگان، از همان روز اول رقابت های انتخاباتی همیشه قطعی بوده و هست. در سرکشی هایش به روستاهای استان، بارها پیش‌آمده که اهل سنت به او اقتدا کردند و پشت سرش نماز خواندند. بس که قبول دارند آقا سیدشان را. اگر کمی دیرتر هم می رسید، بدون تأمل به امام جماعت اهل سنت‌اقتدا می کرد

در فکر آخرت

رئیسی اهل زد و بند و معامله نبود و بر اساس آنچه که بتواند در روز قیامت پاسخ بدهد، عمل می کرد. به دلیل موقعیت هایی که داشت، می توانست بدون تخلف، اموالی را به دست آورد ولی هیچوقت این کار را نکرد. شاید در دنیا هیچوقت جلویش را نمی گرفتند، اما همیشه به فکر آخرت بود. در دوران دادستانی مستاجر بود. مدتی بعد از ازدواج خانه ای در قم خرید و خانواده را به قم برد. وقتی سرپرست دادگاه انقلاب در اوین شد، خانواده را به تهران آورد و برای مدت کوتاهی در تجریش ساکن شد. بعد از آن هم به یک آپارتمان ساده بین خیابان فاطمی و حجاب رفت

چشم انتظار دیدنت گشتند

حتی شهیدان خدایی هم

اتاق خدمت

داشـــت در اتــاق ریاست سـازمان بازرسـی کـه تـازه تحویـل گرفتـه بـود راه میرفـت کـــه پایش به پارگی موکت کف اتـــاق گیـــر کـــرد. ســـریع بلنـــد شـــد و خـــودش را جمــع و جــور کـــرد و گفـــت: «ایـن اتـاق محـل رفـت و آمـد مـردم اسـت. بگـو بیاینـد موکـت را بکننـد و بردارند.» یکـی از همـکاران پیشـنهاد داد: بهتـر اسـت بگوییـــم بیاینـــد اتـــاق را بازســـازی کننـــد و موکـت جدیـد هـم بزننـد.»

سید ابراهیم بـــه چشـــمانش خیـــره شـــد و بـــا لحـــنی جـدی گفـــت: «بچه های ســـازمان بـــه نـــان شب شـــان محتـــاج هسـتند. آن وقـت مـن بیایـــم ایـن اتـاق را بازســازی کنــم؟»! ده ســـال بعـــد کــه ســازمان را تحویـــل داد، کل ســاختمان نـــو نـــوار شـــده بـــود مگر اتـاق خـــودش؛ بـــدون موکـــت و کامـــلا ســـاده..

انسانیت و مردم داری شهید رئیسی

یـک روزی از دفتر رئیـس جمهـور بـا مـن تمـاس گرفتـه شـد کـه ایشـان بـا مـن کار دارد، بدلیـل اینکـه بایـد سر کلاس درس حـاضر می‌شـدم، فرصتـی بـرای گفت‌وگـو نشـد، فـردای آن روز شـهید رئیسـی تمـاس گرفتنـد و گفتنـد

فقـط تمـاس گرفتـم حالـت را بپرسـم؛ ایـن نشـان می‌دهـد کـه فـارغ از نگرش‌هـای سیاسـی، انسـانیت ایشـان همیشـه قابـل توجـه بـود. اینکـه شـهید رئیسـی خـادم حضرت رضـا (ع) هسـتند و در شـب ولادت هـم بـه شـهادت رسـیدند، سـعادت بزرگـی اسـت.راوی: دکتر ظریـف

آن سو "بهشتی" بی‌قرار تو

آن سوتر انگاری "رجایی" هم

متواضع و خاکی!

بیش از یازده سال بود که آقا سید ابراهیم را از نزدیک ندیده بودم. آخرین بار، سال ۸۴ در بیت آیت الله نوری همدانی با هم گپ و گفتی داشتیم. دو سه روز پیش، دوباره او را دیدم؛ ولی این بار در کسوت متولی آستان قدس بزرگ و شریف. هیچ فرقی نکرده بود؛ جز سر و رویی که سپیدتر شده بود و نورانی تر! همان که بود مانده؛ مردمی، قبراق، خنده رو، پیگیر، گیرا و خاکی! راستش را بخواهید نمی توانستم شادمانی ام را کتمان کنم. از اینکه تولیت حرم را با عمامه ای از سر برداشته، گوشه ای از حرم در حال اشک و مناجات می بینم. از اینکه مردم را با تولیت آستان، رو در رو و بدون حلقه های عریض و طویل حفاظتی می بینم. از اینکه می بینم مردم، بالاترین مقام مسئول در حرم را به چالش می کشند و نقد و قند خود را بی پرده به او می رسانند!

شوق خدمتگزاری به مردم مهم ترین ویژگی او بود

صفای باطن، تواضع و شوق خدمتگزاری به مردم مهم ترین ویژگی او در تمام این ادوار بود. ارتقاء مسئولیت های رسمی، هیچ گاه باعث دگرگونی روحیات این روحانی خدمتگزار نشد. ارادت قلبی شهید رئیسی به امام چنان بود که در مهم ترین سالهای مسئولیت در قوه قضائیه و ریاست جمهوری نیز آن را فراموش نکرد و بر آن مداومت می ورزید. روایتی از سیدحسن خمینی

بالاتر از قانون!

از طــرف آقای خلخالــی حکــم داشــتند تــا بــا قاچاق مــواد مخــدر مبــارزه کننــد. ســلاح داشــتند و بــه هیــچ قانــون و رویــه ای اهمیت نمی دادنــد. تحــت عنــوان دادگاه ویــژه مبــارزه بــا مــواد مخــدر جــاده را مــی بســتند، خودروهــا را می گشــتند و هر کــس را کــه می خواســتند دســتگیر و گاهــی اوقــات اجــرای حکــم می کردنــد. تعــدادی از مســئولین نیــز از آنها حمایــت می کردنــد. امــا سید ابراهیــم جــوان بــر سر قانــون بــا کســی تعــارف نداشــت. رفــت خدمــت آیت الله قدوســی بــرای شــکایت. ایشــان گفت کــه ایــن مسئله در جاهــای دیگــر کشــور هــم بــه وجود آمــده و قــرار اســت بــا امــام مطرح کند. سید ابراهیــم امــا گفــت کــه قضیــه کــرج را شــخصاً حــل خواهــد کــرد.

بــه محــل تجمــع آنهــا رفــت و اسلحه شــان را ضبط کرد و افــراد متخلــف را تحویــل دادگاه انقلاب داد. آقــای خلخالــی زنــگ زد بــرای بازخواست. پرســید: «شــما اقــدام کردیــد بــه گرفتــن اعضــای این دفتــر؟» سید ابراهیم گفت: «بلــه»! خلخالــی بــا عصبانیــت جــواب داد: «بالاتــر از تــو هــم نمی توانــد ایــن کار را انجــام بدهــد.» ســید ابراهیــم بــا صدایــی مطمئــن و آرام گفــت: «مــن ایــن کار را کــردم و شــد و بــه بالاتــر از مــا هــم ســلام برســانید، اگر در کــرج مــن مســئول هســتم و نمی گــذارم کار غیرقانونــی انجــام بشــود». این حرکت، شــاید اولیــن مقابلــه جــدی بــا اقدامــات خودســرانه در کشــور بــود..



دادستان جوان

بیست‌ساله بود که مسئولیت دادستانی کرج را بر عهده گرفت. جوان‌ترین دادستان انقلاب بود، آن هم در کرج که بسیاری از طاغوتی‌ها ملک و املاک داشتند و شده بود پاتوق ساواکی‌ها و ضد انقلاب. اما سید ابراهیم از پس همه‌اش برآمد.



گره‌گشا

پیاده‌روهای کرج پر شده بود از دست فروش‌هایی که عبور و مرور مردم را مشکل کرده بود. سید ابراهیم دستور داد تا با انتقال دست‌فروش‌ها به مکانی خاص در شهر، گره این مشکل را باز کنند.

پارتی بازی ممنوع!؟

فیلم مستند آیت الله رئیسی من را یاد خاطره ای از زمان توفیق خادمی در حرم مطهررضوی انداخت

خبر درگذشت خواهر تولیت آستان را که شنیدیم انتظار داشتیم طبق روال مرسوم و باتوجه به اختیارات قانونی وشرعی تولیت آستان قدس رضوی مراسم تدفین و ترحیم در حرم مطهر برگزار شود

اما مراسم تدفین دربهشت رضا (ع)خارج ازشهر مشهد و مراسم ترحیم دریکی از مساجد معمولی برگزارشد

اقدامی که مایه تعجب بسیاری که از اختیارات ایشان مطلع بودند، گردید.

کمی بعد جانباز سرافراز محمدزاده (بابارجب) آسمانی شدند وبه شهادت رسیدند. این جانباز گرانقدر به دلیل شدت جراحات صورت شان ومشقت های آن کمتر در انظار عمومی ظاهر می شدند

این بار آیت الله رئیسی بارعایت قوانین دستور دادند هزینه ها تامین و پیکر این عزیز درجوار حرم مطهرآرام گیرد

هر د وموضوع بیانگر سلوک ایشان بود که ازاختیارات و حقوق قانونی خود برای بستگانش بهره نمی برد و درجای دیگر از اختیارات خود استفاده می کند، تا یکی از نمادهای مقاومت در جوار امام رئوف آرام گیرد .

به گزارش الف امین توکلی با ذکر خاطره‌ای از رئسی (رئیس وقت تولیت آستان قدس رضوی) در توئیتر

ما طعم تلخ زخم زبان را چشیده ایم

فولاد در جدال معرکه ها آب‌دیده ایم

بنگر حضور عاشقمان را که شعر شد

هم لحظه های ناب غزل هم قصیده ایم

نه سنگ ها و صخره و نه ترس سد شدن

ما رود پرخروش به دریا رسیده ایم

هرگز ندیده چشم کسی سمت قله ها

در کوره راه حادثه پاپس کشیده ایم

بنگر که شهر کوچه به کوچه پر از دل است

قلبیم و در حرارت ایران تپیده ایم

پرچم مقدس است و همیشه در اوج باد

حتی اگر به جسم عزیزان کشیده ایم

این رسم ماست؛ خدمت مخلوق و خالقش

چشمی گشا که در همه دنیا پدیده ایم

ما را حسین دیده و با عشق بیمه کرد

یک کربلا حماسه و اشکی چکیده ایم

ای ابرهای تیره ببارید باک نیست

ما در حصار امن خدا آرمیده ایم

این داغ ها که سد ره ما نمی شود

ما خود مسیر سخت ظفر را گزیده ایم



واکر به دست، پیرزنی خسته

می‌رفت سوی تخت خود آهسته

در آتش فراق پسر می‌سوخت

می‌گفت با غریبه و وابسته:

"آیا ز خاک پر زده فرزندم؟

آیا کبوترم ز قفس رسته؟"

بیرون خانه منتظرش بودند

مردم چه ناشناس چه برجسته

هر دم برای تسلیت از هر سو

می‌آمدند در صف پیوسته

مثل کبوتران حرم پر زد

مشهد به سوی آن زن وارسته

هرچند او برای پذیرایی

جایی نداشت درخور و شایسته

حتی نداشت خانه‌ی دلبازی

مشرف به صحن و گنبد و گلدسته

اما شبیه بال ملائک بود

آن دست پر چروک حنابسته...

مهربانی و خوشرویی

هنرپیشـه صـدا و سـیما و سـینما، لاحمـد نجفـی ضمـن اظهـار تاسـف از ضایعـه دردنـاک شـهادت آیـت اللـه سـیدابراهیم رئیسـی، وزیـر امـور خارجـه و همراهـان آن‌هـا اظهـار کـرد: مـن در دیـداری کـه بـا ایشـان داشـتم تقاضایـی را مطـرح کـردم. گفتنـد ایـن موضـوع را روی کاغـذ بنویسـید و بـه مـن بدهیـد تـا تـا ترتیـب اثـر بدهـم. ایـن جملـه را بـا مهربانـی و خوشرویـی گفتنـد. بـه نقـل از ایرنـ

قطب‌نمایی به سوی خدا!؟

همـه کسـانی کـه آیت‌اللـه رئیسـی را مـی شناسـند بـه خوبـی مـی داننـد کـه عقربـه قطب‌نمـای زندگـی ایشـان بـه سـمت خداونـد تبـارک و تعالـی بـوده اسـت و دغدغـه مـردم را داشـته‌اند و ان شـاالله بـه سلامـت برمـی گردنـد. حسـین شریعتمـداری، مدیـر مسـوول روزنامـه کیهـان

تعامل با مردم و خطر پذیری برای ورود به حل مشکلات

اظهـار نظرهـای گرایشـات سیاسـی مختلـف نشـان دهنـده بلـوغ ملـی اسـت کـه در هنگامـه حـوادث مرزهـا را کنـار گذاشـته و رنگ‌منافـع ملـی بـه خـود مـی گیرنـد. بـی آلایشـی آیت‌اللـه رئیسـی کـه تجلـی آن در ایـن حادثـه مظلومانـه اسـت، برآینـد شـخصیت رییـس جمهـور اسـت، گفـت: صداقـت، بـی آلایشـی آیت‌اللـه رئیسـی در تعامـل بـا مـردم و خطـر پذیـری بـرای ورود بـه حـل مشـکلات در ایـن حادثـه نمـود پیـدا کـرد... محمدعلـی وکیلـی فعـال سیاسـی اصلاح‌طلـب _ خبرنـگار ایرنـ



شهید جمهور



شهید جمهور

از اعدام تا بخشش!؟

خاطـرات عبـاس معروفـی در مواجهـه بـا ابراهیـم رئیسـی بـه عنـوان دادسـتان تهـران شـاید بـرای خیلـی از اهالـی فرهنـگ و رسـانه تکـراری باشـد امـا بـا توجـه بـه شـایعات ایـن روزهـا خوانـدنـی اسـت. عبـاس معروفـی، یکـی از نویسـندگان مشـهور کشـور و مدیـر مجلـه ادبـی «گـردون» اسـت کـه در نخسـتین سـال‌های دهـه ۷۰ توقیـف آن بازتـاب فراوانـی در محافـل داخلـی و خارجـی داشـت. بـرای امانـت‌داری بخشـی از گفت‌وگـوی او بـا نشریـه ادبـی «الفبـا» در شرح ماجـرای دیـدار خـودش بـا سـیدابراهیم رئیسـی را برایتـان مـی‌آورم. «سرانجـام روز ۱۹ آذر ۱۳۷۰، بازجویـم حکـم توقیـف موقـت گـردون را بـه دسـتم داد. از آنجـا مسـتقیماً بـه اداره مطبوعـات ارشـاد رفتـم و آقـای مدیـر کل گفـت کـه کاری از دسـتش سـاخته نیسـت. بعـد بـه شرکـت تعاونـی مطبوعـات رفتـم و بـرای اولیـن بـار بـا محسـن سـازگارا، مدیرعامـل شرکـت تعاونـی مطبوعـات آشـنا شـدم. او آن روز خیلـی بـا مـن حـرف زد و گفـت کـه بایـد تلاش کنیـم تـا ایـن حکـم را بشـکنیم. از یـک سـو او می‌دویـد، از سـویی حمیـد مصـدق و از سـوی دیگـر خـودم. یکـی از غم‌انگیزتریـن دوره‌هـای زندگـی مـن همیـن ۱۸ مـاه تعطیلـی گـردون بـود کـه همـه رفت‌وآمدهـا، تلفن‌هـا و ارتباط‌هایـم قطـع شـد. یکبـاره احسـاس کـردم چقـدر تنهـا شـده‌ام. نمی‌دانسـتم چـه خاکـی بـه سرم بریـزم. تنهـا سـیمین بهبهانـی هـر روز بـه مـن تلفـن مـی‌زد و دلـداری‌ام مـی‌داد. نامه‌نـگاری، ملاقـات ، دیـدار و گفت‌وگـو هیچ‌کـدام فایـده‌ای نداشـت تـا اینکـه

قاضی پرونده‌ام در دادستانی انقلاب حکم مرا اعلام کرد: «اعدام؟»
فروشکستم. حالا جز نگرانی از حکم اعدامی که قاضی‌ام داده بود، وزارت ارشاد هم کن‌فیکون شده بود. خاتمی رفته بود. در همان زمان داشتم رمان «سال بلوا» را می‌نوشتم و این جمله جایی خودنمایی می‌کرد: «ما ملت انتظاریم!» و در انتظار سرنوشت گردون می‌سوختم. حکم اعدام را برداشتم و به طرف سازگارا راه افتادم. چند روز بعد او به من خبر داد که روزهای سه‌شنبه حجت‌الاسلام ابراهیم رئیسی،دادستان انقلاب، بار عام دارد و قرار شد که من از ساعت شش صبح سه‌شنبه آنجا باشم. این سه‌شنبه رفتن‌ها، چهار بار طول کشید و نوبت به من نرسید، بار پنجم، ساعت ۱۲ من توانستم آقای رئیسی را ببینم. در هر دیدار پنج نفر می‌توانستند به ترتیب شماره، وارد اتاق دادستان انقلاب شوند. نفر اول که آخوند پیری بود، به دادستان جوان و خوش‌تیپ انقلاب گفت اگر اجازه داشته باشد، بماند و به عنوان آخرین نفر با او خصوصی حرف بزند اما رئیسی قبول نکرد. گفت: بفرمائید! خودم را معرفی کردم، رئیسی کمی نگاهم کرد، با لبخند گفت: «همون عباس معروفی معروف؟»«بله همون کرکس شاهنشاهی! همون غول بی شاخ و دم که هر روز کیهان می‌نویسه»گفت: شما بمونید. نفر بعدی؟سه نفر بعدی هم مطلب شان را گفتند و رفتند. دادستان انقلاب گفت: «خب آقای معروفی، چه می‌کنید؟ گفتم: رمان می‌نویسم، کتاب چاپ می‌کنم، ادیتوری می‌کنم،هر کار که بشه



شهید جمهور



شهید جمهور

چون دفترم بازه اما شما انتشار گردون رو توقیف کردین.
گفت: خب فکر می‌کنی چرا توقیف شده؟گفتم: همکاران شما از من می‌پرسن چه جوری و با چه پولی این مجله رنگارنگ را منتشر می‌کنم؟
گفت: «این سوال من هم هست.»
گفتم: «مجله روی پای خودش ایستاده، ۲۲ هزار تیراژ داره.»
گفت:«چند سالته؟»گفتم: «سی‌وسه.»گفت: این چیزهایی که درباره شما در روزنامه‌ها می‌نویسن، من فکر کردم بالای ۶۰ سال رو داری
آن‌وقت در کامپیوتر پرونده‌ام را نگاه کرد و گفت:
«عجیبه! خیلی عجیبه! لک توی پرونده‌ات نیست.»
گفتم: «می‌دونم. من حتی سمپات کسی یا چیزی نبوده‌ام.»
با حیرت خیره‌ام شد:
«حتی خانم‌بازی هم نکرده‌ای؟»
گفتم: «نه! من زن و سه تا دختر دارم.»
به پشتی صندلی‌اش تکیه داد با لبخند نگاهم کرد. یک لحظه فکر کردم عجب آخوند خوش‌سیما و خوش‌تیپی است. گفت:
«پریشب در قم منزل یکی از علما، آقای فاضل میبدی بودم.
قسمتی از کتاب «سمفونی مردگان» شما را خوندم. می‌خواستم ازش بگیرم، دیدم براش امضا کردی. بهم نداد. دلم می‌خواد بخونمش.» اتفاقاً نسخه‌ای از

چاپ سوم رمان در کیفم بود. گذاشتم روی میز.
دست به جیب برد که پولش را بپردازد. گفتم: «قابلی نداره.»
گفت: «نه این میز، میز خطرناکیه. میز قضا و قدر!» و خندید:
«باید پولشو بپردازم، شما هم باید بگیری.» ۳۰۰ تومان را روی میز گذاشت و
گفت: «تعجب می‌کنم! چرا این قدر راجع به شما بد می‌نویسن؟
امکانش هست فوری کلیه گردون‌ها رو به من برسونید تا شخصاً مطالعه کنم
و تصمیم بگیرم؟» گفتم: «با کمال میل. فردا براتون میارم.»
گفت: «نه! فردا دیره. همین حالا!» و تلفن روی میزش را طرف من گذاشت:
«زنگ بزن بیارن فوری!» و بعد خواست که ناهار بمانم. تشکر کردم، یک دوره
گردون از شماره ۱ تا ۲۰ را به دستش دادم و خداحافظی کردم.
حدود یک هفته بعد، پرونده من از دادستانی انقلاب «عدم صلاحیت» خورد
و به دادگستری ارجاع داده شد.
در این دوره که خاتمی هم در آخرین روزهای وزارت ارشاد، هیأت‌منصفه را
تشکیل داده بود، باعث شد گردون در دادگاه تبرئه شود.
در تاریخ ۱۶۷ ساله مطبوعات ایران من نخستین مدیر مجله‌ای بودم که با
حضور هیأت‌منصفه محاکمه و تبرئه شدم
کیهان در تیتر اولش نوشت:
«تشکیل هیات‌منصفه برای نجات یک مجله ضد انقلاب!»













خاطراتی از خانم علم الهدی، همسر شهید رئیسی

آقـای رئیسـی تاکیـد زیـادی بـر سیاسـت ورزی مبتنـی بـر اخلاق دارنـد. خیلـی هـا بـه ایشـان توصیـه مـی کردنـد کـه بـه گردونـه انتخابـات وارد نشـوید، امـا ایشـان در جـواب مـی گفتنـد بگذاریـد یکبـار مـردم سیاسـت ورزی مبتنـی بـر اخلاق را ببیننـد. محتـوای نامـه ایشـان نیـز بـر همیـن مبناسـت کـه بیائیـم قبـل از هـر چیـز، بـر ایـن نـوع سیاسـت ورزی پایبنـد باشـیم و از ایـن اصـول عبـور نکنیـم

ایشـان اصـول اخلاقـی را خـط قرمـز خـود مـی داننـد و حتـی یکبـار بـه مـن هـم گفتنـد حـاضرم در مناظـرات شکسـت هـم بخـورم امـا اصـول اخلاقـی را زیـر پـا نگـذارم. ایـن بحث‌هـا مـاورای حقـوق و حقـوق دانـی اسـت، بحـث اخلاق چنـد درجـه فراتـر از حقـوق اسـت

ایشـان در اینگونـه مسـائل بسـیار دقـت مـی کننـد و بـه هیـچ وجـه مسـائل کاری شـان را بـه داخـل خانـه نمـی آورنـد. البتـه مـواردی بـوده کـه مـا از روحیـه ایشـان متوجـه شـدیم اتفـاق خاصـی افتـاده اسـت. مـثلا در مـورد پرونـده نخسـت وزیـری کـه ایشـان تمـام کارهـا را انجـام داده بـود، امـا ناگهـان امـام دسـتور دادنـد پرونـده مختومـه شـود. از جاهـای زیـادی هـم مراجعـه کردنـد، از مرکـز اسـناد انـقلاب اسلامـی و دیگـر جاهـا تـا آن پرونـده را بـاز کننـد امـا ایشـان راضـی نشـدند هیـچ مصاحبـه ای را انجـام بدهنـد و گفتنـد پرونـده ای را کـه امـام دسـتور دادنـد مختومـه کنیـد مـن بـاز نمـی کنـم. مـن هـم هیـچ اطلاعـی از آن قضیـه نـدارم

یک اخلاقی که ایشان دارند این است که از جزئیات هیچ پرونده ای صحبت نمی کنند. مثلا همین ماجرای فسادی که در ابتدای تولیت ایشان در آستان قدس رخ داد، آقای رئیسی به هیچکس نگفته بودند، درحالیکه به شدت از آن رنج می بردند و با خودشان می گفتند چنین کاری با اموال کافر حربی انجام نمی دهند چطور با اموال امام رضا فردی چنین کاری می کند؟ من گفتم این مورد را به مقام معظم رهبری اطلاع دهید. ایشان گفتند چرا باید خاطر ایشان را مکدر کنم. خودم مسئله را حل می کنم. به شخصه فقط می دانستم آن فرد مشکل دارد اما داستان را دقیقا نمی دانستم.

ایشان هم از بیان داستان در رسانه ها خودداری می کردند تا اینکه از سوی رفقای همان فرد مطرح و پخش شد. اتفاقا در همان موقع هم برخی تماس گرفتند که ایشان را آزاد کنید. آقای رئیسی گفتند اتفاقا رفقای خود آن فرد نامش را منتشر کردند، من که فقط به دادگاه معرفی کردم.

بعد مقامات آستان قدس آمدند و گفتند حاج آقا اطلاعیه بدهید. حاج آقا مخالفت کردند و گفتند حق ندارید اسم او را بیاورید. گفتند حاج آقا همه سایت ها اسمش را آورده اند. حاج آقا گفتند آن فرد هنوز متهم است و جرمش اثبات نشده است. کلی کشمکش رخ داد آخر هم یک نفر خودش رفت مصاحبه کرد و توضیح داد. حاج آقا خیلی مقید هستند که تا جرمی اثبات نشده اسمی برده نشود و آبروی کسی نرود.



صفای طلبگی

آدم پیچیده‌ای نبود، چه در قوه قضاییه و چه تولیت آستان قدس. مسئولیت‌ها روی شخصیت ایشان اثری نگذاشت. هیچ وقت از موضع بالا با کسی برخورد نمی‌کرد.



گرمی یک سلام

یکی از مکانیک ها مشغول تعمیر بود. جلو رفت. سلام واحوال پرسی گرمی با او کرد و بعد هم رفت. هنوز مکانیک در بُهت این برخورد بود که همکارانش دوره اش کردند: «نگفته بودی با رئیس جدید فامیل هستی. مکانیک قسم خورد که اولین بار بوده که رئیس جمهور را دیده.»

یـا یـک آیـت اللهـی کـه دسـتگیر شـده بـود، از حـاج آقـا پرسـیدیم جریانـش چیسـت؟ حـاج آقـا ابـا داشـتند و نمـی گفتنـد. اصرار کـردم حـاج آقـا نکتـه هـای دینـی و مذهبـی زیبایـی از ایشـان در فضـای مجـازی منـتشر مـی شـود و اگـر چیـزی نگیـد همیـن بچـه هـای خودمـان کـه آنهـا را مـی خواننـد منحـرف مـی شـوند. آنقـدر اصرار کردیـم کـه ایشـان دو سـه مـورد گفتنـد

ایشـان یـک طلبـه بـود در ابتـدای انـقلاب و آیـت اللـه بهشـتی طـی تحقیقاتـی کـه داشـتند چندتـن از طلاب از جملـه ایشـان را شناسـایی و آمـوزش دادنـد. ایشـان را کـه بـه کـرج بـرده بودنـد، دو مسـئله در آن شـهر مطـرح بـود. یکـی اینکـه سرمایـه داران در آن شـهر حضـور داشـتند و دوم آنکـه مسـئله منافقیـن نیـز در آنجـا خیلـی مطـرح بـود و یکـی از عللـی کـه منافقیـن دلشـان خیلـی از ایشـان پـر اسـت بـه همیـن قضیـه برمـی گـردد. طـی برخوردهـای قانونـی کـه ایشـان در آنجـا انجـام مـی دهنـد، نقشـه قتـل ایشـان کشـیده مـی شـود کـه وقتـی شـهید بنـی جمالـی بـه جـای ایشـان مـی رود، متاسـفانه ایشـان را بـه شـهادت مـی رسـانند. پـس از آن ماجراهـا و اینکـه توانسـتند لیاقـت خـود را نشـان بدهنـد، ایشـان را ارتقـا دادنـد و بـه اسـتان همـدان بردنـد. بعـد از اسـتان همـدان ایشـان تصمیـم گرفـت کـه بـه قـم برگـردد و طلبگـی خـود را ادامـه دهـد، امـا ان روزهـا در تهـران آقـای موسـوی خوئینـی هـا نمـی گذاشـت. هرچـه ایشـان اصرار داشـتند کـه مـن میخواهـم بـه قـم برگـردم و درس بخوانـم و سـمت اجرایـی نمـی خواهـم از آن سـو بـود کـه اصرار وجـود داشـت

کـه ایشـان بـه کار اجرایـی برگردنـد. ایـن شـد کـه بـه تهـران رفتیـم. چنـد سـال گذشـت و مـن هرچـه مـی گفتـم وسـایل مـان را از قـم بیاوریـم امـا ایشـان مـی گفـت، نـه، میخواهیـم برگردیـم. لـذا ایشـان اصلا بدنبـال قـدرت نبـود. البتـه پشـتوانه حکـم امـام بـرای ایشـان نیـز بسـیار موثـر بـود.

ایـن کـه امـام اقـای موسـوی اردبیلـی را داشـته باشـد امـا تقریبـا هرجایـی کـه اختلافـی پیـش مـی آمـد یـک طلبـه ۲۵ سـاله را بـرای حـل اخـتلاف بفرسـتد، خـود در رونـد کار ایشـان خیلـی تاثیـر داشـت. بعـد از آن سـال هـا بـود کـه ایشـان بـه سـازمان بازرسـی رفـت. بـه یـاد دارم آن روزهـا دولـت اصلاحـات بـه شـدت از بازرسـی هـای ایشـان تـرس داشـت.

هرجایـی کـه ایشـان ارتقـا پیـدا مـی کـرد یـا ایشـان را بـه زور و بـا فرمـان مافـوق مـی فرسـتادند یـا حتـی در برخـی مـوارد اصلا بـه ایشـان نمـی گفتنـد و ایشـان را منصـوب مـی کردنـد و در مـوردی حتـی ایشـان حکـم خـود را از رادیـو مـی شـنید و وقتـی مـن بـه ایشـان مـی گفتـم کـه از رادیـو شـنیدم، ایشـان بـاور نمـی کـرد و مـی گفـت کسـی بـه مـن چنیـن ابلاغـی نکـرده و حتـی یـک سـوال هـم از مـن نپرسـیده انـد. البتـه در مقابـل آن حسـادت هـا هـم بسـیار بـود. در بسـیاری از مـوارد تـا بـرای ایشـان مـی خواسـتند حکمـی بزننـد عـده زیـادی مـی رفتنـد و سـعایت ایشـان را مـی کردنـد و مـی گفتنـد ایشـان بـرای ایـن پسـت مناسـب نیسـت. در مـورد حکـم تولیـت نیـز هرطـور توانسـتند سـعایت کردنـد تـا حکـم بـرای ایشـان نخـورد

الجبهة العالمية لشباب المقاومة

نماینده همه

بارها اهل سنت بهش اقتدا کردند و پشت سرش نماز خواندند. بس که قبولش داشتند.

اگر خودش هم کمی دیر می‌رسید، بدون تامل به امام جماعت اهل سنت اقتدا می‌کرد.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



الجبهة العالمية لشباب المقاومة

نماینده همه اهل سنت و شیعه

سنی و شیعه ندارد؛ او تقریبا به تمام روستاهای خراسان جنوبی سر زده و با مردمانش نشست و برخاست داشته. برای همین است که تقریبا کل استان می شناسندش و رأی او در انتخابات خبرگان، از همان روز اول رقابت های انتخاباتی همیشه قطعی بوده و هست.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



یازده روایت از
شهید جمهور
سید ابراهیم رئیسی

بحث نایب التولیه و حتی شورایی شدن تولیت نیز مطرح شد و جالب آن بود که ایشان در تمام طول آن مدت در خانه نشسته بود و اصلا برایش مهم نبود و در نهایت حضرت آقا آن حکم را برایشان زدند

در طول زندگی مان هیچ گاه برای دریافت پستی ایشان خود را مطرح نکرد یا نرفت رایزنی کند، لابی کند تا آن پست را تحویل بگیرد. برای خبرگان نیز سه استان خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و گرگان چند مدت آمدند و پافشاری کردند که ایشان آمد. در این دوره اتفاقا تهران خیلی پافشاری کردند که از تهران کاندیدا شوند، که ایشان در جواب گفت:

بینی و بین الله نمی شود بیرجند را کنار بگذارم و بیایم تهران. حتی من اصرار داشتم به تهران، چرا که ایشان بابت رفت و آمدهای به بیرجند خیلی اذیت می شدند. اما قبول نکردند

چه شد که ایشان کاندیدا شدن برای ریاست جمهوری را پذیرفتند؟

اصرار و پافشاری به ایشان زیاد بود و از طرف مردم هم شروع شد. حتی دوره های قبل هم برای درخواست آمده بودند، مردم حزب اللهی و جامعه مداحان آمدند و پیشنهاد کردند.حتی خانواده هاشمی به ایشان می گفتند اگر شما رئیس جمهور بشوید خیلی خوب می شود. اما این روزها بیشتر اصرارها از سوی مردم در حرم مطرح می شد. من می گفتم حاج آقا این ها چه می گویند. ایشان در جواب می گفتند غصه نخور، خبری نیست.

من همچین جایی را رها نمی کنم. اما این سیر همچنان ادامه پیدا کرد. تا اینکه بسیاری از مراجع قم اصرار کردند. اما باز هم ایشان نپذیرفت. از روزی که ایشان مشهد آمدند مراجع از جمله آیت الله وحید خیلی ابراز خوشحالی می کردند. آیت الله وحید خودشان تشریف آوردند به دفتر حاج آقا. هرچه حاج آقا اصرار می کردند که من باید بیایم، شما چرا، اما ایشان می گفتند نه، خودم باید بیایم. یک بار مقام معظم رهبری هم به ایشان گفتند من از هیچ یک از انتصاب هایم مردم اینقدر از من تشکر نکرده بودند. از انتصاب شما مردم خیلی تشکر کردند. اینکه عده ای این روزها رابطه ما با آیت الله مصباح را بزرگ کردند، البته افتخار است برای ما این ارتباط، اما رابطه ما با همه مراجع همین طور است.

ما هرساله به خانه آیت الله جوادی آملی می رویم، با ایشان به سوریه رفتیم. رابطه خانوادگی که با آیت الله جوادی آملی داریم با آیت الله مصباح نداریم. خلاصه این داستان مردم ادامه پیدا کرد تا اینکه ۵۰ نفر از مجلس خبرگان آمدند و دعوت کردند.حاج آقا به آن ها گفت نکنید این کارها را، که آن ها در جواب گفتند ما به شما کاری نداریم، تکلیف مان را انجام می دهیم. رفتند خدمت آقا رسیدند و این پیشنهاد را مطرح کردند و آقا فرمودند من دخالت نمی کنم. تا اینکه یکی از مراجع به مشهد آمدند و با ایشان صحبت کردند و حجت را بر ایشان تمام کردند... منبع: تسنیم



رفع درد غربت!

دادستان شهر کرج بود. وضعیت اسکان جنگزده‌ها را که دید آنقدر رفت و آمد کرد تا برایشان خانه فراهم شد. جنگزده‌های آن روز خاطرات خوشی از طلبهٔ جوان دارند.



نماینده همه!

بارها اهل سنت بهش اقتدا کردند و پشت سرش نماز خواندند. بس که قبولش داشتند. اگر خودش هم کمی دیر می‌رسید، بدون تامل به امام جماعت اهل سنت اقتدا می‌کرد.

خاطراتی از ۴۵ سال رفاقت تولیت سابق و جدید آستان قدس

آشنایی ما با آقای رئیسی به سالهای ۵۳ یا ۵۴ بازمی‌گردد در قم. چون پدر ایشان فوت کرده بود، یک حالت عاطفی بین من و ایشان ایجاد شد. در درس مکاسب با هم هم‌درس شدیم که مرحوم آیت‌الله خزعلی درس را می‌گفتند. مرحوم آیت‌الله آقای طاهری خرم‌آبادی هم خیار مکاسب می‌گفتند و آنجا باز با هم می‌رفتیم و مباحثه می‌کردیم. در مدرسه خان مدرسه آیت‌الله بروجردی در سال ۵۶ یک مدتی، هم‌حجره بودیم، تا اینکه ساواک در آنجا را بست و طلبه‌ها را تخلیه کردند. یک خانه در محله دور شهر برای ما اجاره کردند که ده پانزده تا از طلبه‌ها آنجا ساکن شدیم و باز آنجا با آقای رئیسی هم‌حجره بودیم. یادم است یک سفر تبلیغی هم در سال ۵۶ به رفسنجان رفتیم. دهه آخر ماه صفر دو سه روز توی مدرسه علمیه آنجا بودیم، بعد هم جا گیرمان نیامد، گفتیم حالا که تا اینجا آمده‌ایم، به دیدن تبعیدی‌ها برویم. به سیرجان رفتیم که آقای خلخالی و آقای معادیخواه آنجا تبعید بودند. به دیدن آنها رفتیم، بعد از آنجا به بندرعباس و بعد به زاهدان، و بعد به ایرانشهر رفتیم به دیدن آقا (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای) و آقای محمدجواد حجتی‌کرمانی که اینها در ایرانشهر تبعید بودند و یک شب هم آنجا بودیم خاطره‌ای هم از این دیدار دارید؟بله شب بود مرحوم آقای طبسی و شهید هاشمی‌نژاد هم خانه آقا بودند. چند تا از طلبه‌ها هم از قم آمده بودند.

ایـام تعطیلـی درسـها بـود و می‌آمدنـد دیـدار تبعیدی‌هـا. سر شـب بـود، آمدنـد بـه آقـا گفتنـد یـک ماشـین از قـم می‌آمـده کـه همیـن نزدیکـی تصـادف کـرده و طلبه‌هایـی کـه در ماشـین بودنـد، مجـروح شـده و در ایرانشـهر در بیمارسـتان هسـتند. آقـا فـوراً برخاسـتند و گفتنـد مـن بایـد بـروم بیمارسـتان. مـن و آقـای رییسـی هـم گفتیـم می‌آییـم کـه شما تنهـا نباشـید. رفتیـم بیمارسـتان. آنجـا یـک پلیسـی بـود کـه آقـا می‌خواسـتند وارد بشـوند اجـازه نـداد، ولـی آقـا بـا تشر گفتنـد "اینهـا مـهمان مـن بودنـد، تصـادف کرده‌انـد بـرو کنـار". پلیـس واقعـاً جـا خـورد و رفـت کنـار و رفتیـم داخـل اتـاق. دیدیـم آقـای توحیـدی دامـاد آقـای بهاءالدینـی روی تخـت اسـت و یکـی دو نفـر دیگـر هـم روی تخـت هسـتند. آقـا یـک تفقـد و عیادتـی کردنـد و برگشـتیم. فـردا گفتیـم برویـم دیـدار آقـای حجتی‌کرمانـی کـه ایشـان هـم در ایرانشـهر بودنـد. پنـج شـش نفـری بودیـم، البتـه مـن و آقـای رئیسـی هنـوز معمـم نشـده بودیـم، دو تـا از طلبه‌هـای معمـم از دوسـتان هـم جلوتـر از مـا بودنـد. تـوی راه کـه پیـاده می‌رفتیـم بـه سـمت خانـه آقـای حجتـی، سـاواک آن دو نفـر را دسـتگیر کـرد ولـی مـا را نشـناختند، چـون شـخصی بودیـم و عمامـه نداشـتیم. رفتیـم خانـه آقـای حجتـی و گفتیـم تـوی راه کـه می‌آمدیـم، دو نفـر از دوسـتان را دسـتگیر کردنـد. یـک ربعـی کـه نشسـتیم در خانـه را زدنـد. آقـای حجتـی گفـت آمدنـد دنبـال شما؛ همین‌طـور هـم بـود. آقـای حجتـی رفـت دم در و بـا تشر گفـت: کسـی اینجـا نیامـده، کـی بـه شما خبر داده غلـط کـرده هـر کـس گفتـه؟

جوانِ ریش سفید

به محافظ گفتم، کاش صندلی می‌گذاشتید برای سید.
لبخنـدی زد و گفـت: «بـه ریش‌هـای سـفیدش نـگاه نکـن. هنـوز جوانـه و پرشـور. مـا از دست‌شـان پیـر شـدیم. حاج‌آقـا از پنـج صبـح تا یازده شب مشغول کارن».

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



الجبهة العالمية لشباب المقاومة

کار بدون توقــــع

هــر روز از صبــح علــی الطلــوع ســر کار حاضــر می شــد. هجده ســاعت کار کــردن (آن هــم کار پرمشــغله ایشان) واقعا دشــوار بــود. قلبــا عقیــده داشــت کــه بایــد خودش را بــه ســختی بیاندازد، تــا یــک گوشــه از مملکــت پا بگیــرد.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



یازده روایت از
شهید جمهور
سید ابراهیم رئیسی

چنان با تشر حرف زد، بیچاره‌ها رفتند که دیگر نیامدند. دو ساعتی پیش آقای حجتی بودیم و غروب که شد، برگشتیم خانه آقا و کسی هم در راه متعرض ما نشد. در مشهد آقا منزل ما تشریف می‌آوردند و ما هم منزل ایشان رفته بودیم. ایشان وقتی تبعید نشده بودند ما مقید بودیم مشهد که می‌رفتیم، برویم خانه آقا. چون آنجا همه جمع بودند؛ دانشجویان، طلاب و... در خانه باز بود، یک اتاق اِل‌مانند بود و یک سماور بود که همان جا خود بچه‌ها چای درست، و پذیرایی می‌کردند. آقای رئیسی خوش استعداد بود، هر مقدار که درس میخواند واقعا می فهمید و جلو می رفت. مقید به مباحثه بود. منظم در درس شرکت می‌کرد و بین طلبه‌های مشهدی به عنوان یک طلبه منظم، خوش استعداد و درس خوان مطرح بود. در ضمن شخصیتاً خونسرد بود و زود عصبانی نمی‌شد. از لحاظ اخلاق و حال و هوای معنوی، آدم خوش‌نفسی بود، الان هم همینطور است. یکی از امتیازات آقای رییسی همین است که واقعاً به لحاظ خلق و خوی شخصی و فردی، ما که از دوران نوجوانی با هم بودیم تاکنون در مسئولیتهایی که چه در قوه قضاییه و چه تولیت آستان قدس داشته، فرقی نکرده و پست و مقام روی او اثر نگذاشته. نه اینکه تظاهر به تواضع بکند، چون بعضی‌ها تظاهر می‌کنند، نه، آقای رئیسی همین است و الان او با بیست‌سال قبلش و با قبل از انقلابش فرقی نمی‌کند این یک خصلت بسیار پسندیده است. روایتی از آیت الله مروی، تولیت آستان قدس رضوی

آیت‌الله رئیسی متواضع و نسبت به حقوق مردم حساس بود

شـهید رئیسـی بالاتریـن مقـام اجرایـی کشـور دارای شـخصیتی متواضـع و بـرای مـردم احترام قائـل بودنـد و در بیـن مـردم می‌رفتنـد و نسـبت بـه حـق آنهـا حسـاس بودنـد.

شـهید رئیسـی را شـخصیتی سـاده زیسـت و دوسـت داشـتنی بودنـد و بـا حساسـیت مسـاله فلسـطین را پیگیـری و دنبـال می‌کردنـد.

شـهید مرحـوم آیـت اللـه رئیسـی مقیـد بـه سـفرهای اسـتانی منظـم بودنـد و در بیـن مـردم می‌رفتنـد و مشـکلات آنهـا را از نزدیـک رصـد می‌کردنـد ایـن کار مشـکلی اسـت، کـه در بیـن روسـای جمهـور کـمتر دیـده شـده، امـا آیـت اللـه رئیسـی بـا احترام بـه مـردم بـا جدیـت مشـکلات آنهـا را پیگیـری می‌کردنـد

مـن چندیـن ملاقـات بـا مرحـوم آیـت اللـه رئیسـی داشـتم یـک ملاقـات زمانـی بـود کـه ایشـان، تولیـت آسـتان قـدس رضـوی را بـر عهـده داشـتند و تعریـف کردنـد کـه در سـن ۱۸ سـالگی زمانـی کـه شـهید مطهـری بـرای تدریـس بـه قـم می‌آمدنـد در کلاس درس ایشـان شرکـت می‌کردنـد و خیلـی بـه مرحـوم شـهید مطهـری علاقـه منـد بودنـد و از مـن خواسـتند یـک دوره آثـار اسـتاد مطهـری را بـرای ایشـان ارسـال کنـم کـه ایـن کار انجـام شـد.

علی مطهری نماینده اسبق تهران

منبع: خبرگزاری مهر

بی درد نبودی

رایگان شدن همه خدمات
درمانی بستری و سرپایی
برای کودکان زیر ۷ سال.



بی تفاوت نبودی

پروژه احیای دریاچه ارومیه و فلات مرکزی، مگا پروژه انتقال آب خلیج فارس به عنوان طولانی ترین خط انتقال آب در کشور به طول ۸۰۰ کیلومتر از غرب بندرعباس.



خاطره متفاوت مسعود ده‌نمکی از رئیس‌جمهور شهید

اردیبهشت سال ۱۳۷۱ اولین دیدار بین من و آقای رئیسی در دادگاه انقلاب اسلامی اتفاق افتاد. آن زمان ایشان در مقام ریاست دادگاه انقلاب و من در مقام متهم بودم. بعد از گذراندن ۱۰ روز زندان انفرادی و مراحل بازجویی در زندان توحید و یا همان موزه عبرت فعلی که به جرم اعتراض به معضلات فرهنگی و کم‌کاری‌های دولت وقت و البته دستگیری تعدادی دیگر که کارشان چیزی بیشتر از اعتراض بود، به دفترشان فراخوانده شدم. برخلاف تصورم با روی خوش به استقبالم آمد و بعد تورق پرونده گفت: اگر جای‌مان عوض می‌شد و من آن‌طرف میز بودم، همین کارهای اعتراضی تو را می‌کردم

یک‌بار هم وقتی مستند «فقر و فحشاء» را ساختم و فیلم توقیف شد و پایم به دادگاه کشیده شد ایشان را در سازمان بازرسی کل کشور دیدم. فیلم را دیده بود. می‌خواستم مستند «از کجا آورده‌اید؟» را بسازم. گفت: هنوز هم تو آن‌طرف میز هستی و من این‌طرف و خوشحالم که بعد از ۱۰ سال هنوز کم نیاورده‌ای

آخرین دیدارمان پس از ریاست جمهوری ایشان بود. در ضیافت افطار کنار هم نشسته بودیم. هم قبل از افطار پشت تریبون و هم سر سفره که من را به کنارش فراخواند، کلی به مسائل موجود نقد کردم و ایشان هم مثل قبل صبورانه گوش داد و آخرش گفت

من نسبت به تو همان ارادت ۳۰ سال پیش را دارم. من هم گفتم: من هم دوست‌تان دارم و به شما رأی داده‌ام اما باز من این‌طرف میز هستم و شما آن‌طرف و قبول دارید نقد منصفانه به دولت بهترین کمک به دولت شما است؟ گفت: قبول دارم. شاید می‌خواست بگوید، من هم آن‌طرف میز بودم همین کار تو را می‌کردم. خدا شهید خدمت ایران را با جدش محشور کند. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)

سیدالشهدای خدمت

حقیقتا کسی که میخواست به مقام شهادت برسد باید قبلش شهید باشد و ما این را در آقای رئیسی می‌دیدیم. شهدا در مسیر زندگی رنگ و بوی دیگری دارند و به خدا پیوسته هستند و در گفتار، منش و رفتارشان اخلاص را می‌دیدیم. من وقتی منش ایشان را در رفتار با کودکان و با مردم می‌دیدم یاد قصه‌های راستین آقا علی‌بن ابی‌طالب می‌افتادم و در آینده اسرار زیادی از زندگی ایشان بیان خواهد شد که چراغ راه همه ما خواهد بود. زنگانه با اشاره به سفر رییس جمهور به مراوه‌تپه ، گفت: در این سفر ایشان تاکید داشت که بین مردم حاضر شوند و شهید موسوی محافظ آقای رییس جمهور از من خواستند که کمک کنیم که اوضاع مدیریت شود اما آقای رئیسی در نهایت در یکصد متری محل سخنرانی هیچکس نتوانست ایشان را نگه دارد و بین مردم حاضر شدند. زنگانه استاندار گلستان، خبرگزاری برنا از گرگان

بی سواد نبودی



رتبه دوم ایران در کشورهای جهان
از نظر رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۳



منزوی نبودی

عضویت ایران در گروه بریکس در کنار برزیل،
روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی.

خاطرات بازگونشده سردار اشتری از حضور شهید رئیسی در فراجا

یکی از خاطرات خوبی که از ایشان در ذهنم مانده، این است که هر زمانی به ایشان مراجعه می‌کردیم چه در دوره ریاست جمهوری و چه دوره قوه قضاییه یا آستان قدس یا قبل‌تر از آن که معاون اول قوه قضائیه بودند، با روحیه باز و گشاده با موضوعات برخورد می‌کردند. شهید رئیس بزرگوار با دقت، موضوعات را دنبال و پیگیری می‌کردند و معتقد بود که اگر دستوری داده شود حتما به خوبی انجام شود. در چند مراسمی که ما در فراجا برگزار کردیم هر زمان که از شهید رئیسی برای حضور دعوت می کردیم، ایشان با روی باز قبول می‌کردند و اگر ماموریت نداشتند حتما در مراسم شرکت می‌کردند.در یکی از مراسماتی (صبحگاه فراجا) که شهید رئیسی حضور داشتند بعد از اتمام مراسم با حوصله به تمام مراجعاتی که چه از طرف فرماندهان، چه افراد دیگر به ایشان می‌شد پاسخ می‌داد و برای هم‌صحبتی با هر فرد با روی گشاده و مرحمت وقت می‌گذاشتند. این شهید بزرگوار برای رفع مشکلات کارکنان فراجا تلاش می‌کرد و حتی در یک جلسه‌ای که من به عنوان فرمانده فرجا برخی از مسائل را بیان کردم، ایشان گفتند "من هرچقدر که بتوانم کمک می‌کنم چون نیروهای خدوم و زحمت کش انتظامی حقشان این است که بخشی از مشکلاتشان را بتوانیم حل کنیم" و انصافاً هم هر کمکی در راستای رفع مشکلات می‌توانستند انجام دادند

شـهید رئیسـی بسـیار روحیـه مردمـی داشـتند و در تمامـی برخوردهایشـان چـه انفـرادی و چـه عمومـی می‌توانسـتیم تواضـع و فروتنـی را خصوصا بـا مردمـی کـه از نظـر اقتصـادی ضعیـف هسـتند، را ببنیـم. بنـده از نزدیـک می‌دیـدم کـه بـا جدیـت بـه دنبـال ایـن هسـتند کـه منویـات و تدابیـر مقـام معظـم رهبری اجـرا شـود؛ بـه زبـان دیگـر بگویـم کـه ممکـن اسـت فـردی در رابطـه بـا منویـات حضرت آقـا، یـک چیـزی بگویـد و یـک چیـز دیگـر عمـل کنـد امـا حـرف و عمـل آقـای رئیسـی در زمینه منویـات حضرت آقـا یکـی بـود. تمـام هـم و غـم شـهید آیت‌الله رئیسـی ایـن بـود کـه تدابیـر حضرت آقـا را بـه ویـژه آن بخشـی از تدابیـر کـه مربـوط بـه مشـکلات مـردم و مسـائل اقتصـادی اسـت را اجـرا کنـد تـا خدایـی نکـرده فرمایـش رهبری زمیـن نمانـد؛ ایـن ویژگـی یکـی از خصلت‌هـای خـوب شـهید رئیسـی بـود. رئیسـی سراپـا اخلاص بـود و در انجـام امـورات، می‌توانسـتی متوجـه شـوی کـه ایشـان فقـط بـرای خـدا کار می‌کنـد و اصلا بـه نامهربانی‌هـا توجـه‌ای نمی‌کـرد چـرا کـه هدفـش خدمـت بـه مـردم بود.همانطـور کـه رهبری فرمودنـد کارهـا بـدون هیچگونـه توقـف و اخلالـی ادامـه پیـدا خواهـد کـرد؛ ایـن کشـور بـا داشتن سـکاندار عزیـزی مثـل امـام خامنـه‌ای مشـکلی نخواهـد داشـت؛ اکنـون ایـران در شرایـط بسـیار خـوب امنیتـی قـرار دارد و هیـچ مشـکلی در ارتبـاط بـا اداره کشـور وجـود نـدارد. مـا رئیـس جمهـوری را از دسـت دادیـم کـه مجاهـد فـی سـبیل‌الله بـود و شـبانه‌روز خدمـت می‌کـرد؛ بـه عبارتـی سیدالشـهدای خدمـت یـا خادم‌الرضـا را از دسـت دادیم.منبـع: تسـنیم

سید ابراهیم مردمی

هیچ وقت از مردم جدا نبود. چه در دوران طلبگی اش چه در دوران مسئولیتش. همیشه در اجتماعات مردمی و نماز جمعه و جماعت حاضر بود و همیشه هم با مردم بود. اطلاعاتش از مسائل کاری و مسائل جامعه از راه همین ارتباطات مردمی بود.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



یازده روایت از
شهید جمهور
سید ابراهیم رئیسی

الجبهة العالمية لشباب المقاومة

رفع درد غربت

دادستان شهر کرج بود. وضعیت اسکان جنگ‌زده‌ها را که دید آنقدر رفت و آمد کرد تا برای‌شان خانه فراهم شد.
جنگ‌زده‌های آن روز خاطرات خوشی از طلبهٔ جوان دارند.

برگرفته شده از کتاب سید محرومین



یازده روایت از
شهید جمهور
سید ابراهیم رئیسی

قلبا دوستت داشتیم آقای شهید رئیسی عزیز

برای انتخابات ۹۶، بچه‌ها یه چیزی آماده کرده بودن با تیتر "کدام روحانی"؛ که مقایسه عملکرد روحانی و رئیسی بود. دو نفر دونفر چند روزی این برگه‌ها رو پخش می کردیم، به همین بهانه هم با مردم راجع به انتخابات صحبت می کردیم زیرپوستی هم می گفتیم، بیاید به رئیسی رای بدید. سال ۹۷ شعار نشست میان دوره اتحادیه شده بود "مسئول مردمی- نظارت همگانی". از آقای رئیسی به خاطر روحیه مردمی تو آستان قدس هم دعوت کردیم بیاد تو نشست. ایشون پذیرفت و نهایتا قرار شد تو حرم جلسه برگزار بشه. به عنوان مقدمه‌ی صحبت بچه‌ها چند جمله‌ای صحبت کردم، خوب یادمه گفتم: "امروز مهمان شخص عزیزی هستیم" ادامه دادم "البته منظورم امام رضا(ع) است" خندید و جلسه رو ادامه دادیم. ۱۶ آذر ۱۴۰۲ که رئیس جمهور اومده بود دانشگاه شهید بهشتی، بعد از صحبت دانشجوها و قبل صحبت آقای رئیسی یکی از اعضای نهاد ریاست جمهوری ازم خواست موقع دعوت حاج آقا بگم "رئیس جمهور محبوب و جهادی" گفتم از من این حرفا برنمیاد و نگفتم. همونجور عادی ازشون دعوت کردم. کلا بنای ما دانشجوها اینه به هیچ مسئولی رو ندیم، حتی به شما که در این ۹ سال هرجا بودی هوای دانشجو را داشتی. ولی از وقتی شناختیمت قلبا دوستت داشتیم شهید ابراهیم رئیسی عزیز، ما دانشجوها بیشتر از بقیه. اسماعیل کوهی مقدم، خبرگزاری دانشجو

غلامعلی حیدری استاندار چهارمحال‌وبختیاری

نقطـه مـشترک شـهید رئیسـی و شـهید رجایـی مردمـی و جهـادی بـودن بـود، او همـواره شـنوای درد مـردم مسـتضعف و در پـی برقـراری عدالـت بـود. حضـور حماسـی مـردم چهارمحال‌وبختیـاری در اسـتقبال از ریاسـت جمهـوری نشـان‌دهنده عـرق ملـی مـردم اسـتان بـه ایـن شـهید بزرگـوار بـود و همـواره منافـع ملـی را بـر منافـع شـخصی خـود ترجیـح مـی‌داد.

شـهید رئیسـی در تمـام مشـکلات اسـتان مثـل بـارش بـرف در سـال ۱۴۰۱ همـواره یـاور مجموعـه مدیریتـی اسـتان بودنـد، بـه طـوری کـه در سـاعات اولیـه از اوضـاع مطلـع می‌شـدند و امکانـت را در جهـت رفـع مشـکلات مـردم بسـیج می‌کردنـد. در مدتـی بـا ایشـان همـراه بودیـم ایشـان همـواره در حـال تضرع و خشـوع بـه درگاه خداونـد بـود بـه طـوری کـه در همـه حـال ارتبـاط قـوی و معنـوی بـا خداونـد داشـت. بـه گـزارش خبرگـزاری ایمنـا

برای شما طلب مغفرت می‌کنم

در مناظره‌هـای انتخابـات ۱۴۰۰ یکـی از نامزدهـا آقـای رئیسـی کـه دکترای فقـه و حقـوق دارد را تمسـخر کـرد و آن موضـوع مدت‌هـا ادامـه پیـدا کـرد. آقـای رئیسـی بعـد از مناظـره رفـت بـه آن نامـزدی کـه توهیـن و تمسـخر کـرده بـود گفـت: بـرای شما طلـب مغفـرت می‌کنـم. خاطـره وزیـر فرهنـگ و ارشـاد محمدمهـدی اسماعیلـی در مـورد منـش شـهید رئیسـی در گفتگـوی ویـژه خبری شـبکه خبر

«نگاهی به زندگینامه شهید آیت‌الله دکتر سید ابراهیم رئیسی»

آیت الله سید ابراهیم رئیسی در آذرماه سال ۱۳۳۹ هجری شمسی در خانواده‌ای روحانی در شهر مشهد و در محله نوغان دیده به جهان گشود.

نوغان یکی از چهار بخش قدیمی و اصلی است که مشهد برپایه آنها شکل گرفته است و از فقیر تا غنی در هر کدام از بخش‌های این شهر زندگی کرده و می‌کنند، حتی امروز که بافت فرسوده دارد

پدر ایشان حجت الاسلام سیدحاجی رئیس الساداتی و همچنین مادر وی سیده عصمت خدادادحسینی از سلاله سادات حسینی و نسبت اش از هر دو طرف به حضرت زید بن علی بن الحسین (ع) می‌رسد. دکتر رئیسی در ۵ سالگی پدر خود را از دست داد.ابراهیم تحصیلات ابتدایی را در مدرسه جوادیه گذرانده و تحصیل در علوم حوزوی را در مدرسه نواب و سپس در مدرسه آیت الله موسوی‌نژاد شروع کرد



زخم بر زخم است آری، داغ ابراهیم ما
دشمنان اما نمی‌بینند هرگز بیم ما
داغ بر داغ است آری داغ یاران شهید
آری اما عاقبت غم می‌شود تسلیم ما
تا شهادت با ولایت راه و رسم کوثری‌ست
مادر سادات فرمود این روش تعلیم ما
روز میلاد علی موسی‌الرضا جان سال‌هاست
روز پرواز کبوتر بوده در تقویم ما
در میان کوه‌های کشورت آسوده‌ای
آه ابراهیم، ابراهیم، ابراهیم ما





سه سال جهادی خستگی ناپذیر

بخشی از مهم ترین

دستاورد های دولت سه ساله شهید رئیسی

تکمیل طرح آب‌رسانی غدیر **بعد از ۱۵ سال**

افتتاح **۱۶ هزار** تخت بیمارستانی

جهاد آب‌رسانی به **۵ هزار روستا**

اجرای قانون **رتبه بندی معلمان**

آزاد سازی **۱۸.۴ میلیارد دلار** از منابع بلوکه شده

پرتاب ۱۱ ماهواره علمی تحقیقاتی به فضا

اجرای نسخه نویسی الکترونیک **بعد از ۱۶ سال**

احیای دریاچه ارومیه

ساماندهی **۱۸ میلیون** دستگاه کارت‌خوان و اتصال به مالیات

بیمه زنان خانه دار و روستایی

رشد اقتصادی بالای ۴ درصد بعد از یک دهه رشد حدود صفر

رایگان شدن **کاشت حلزون** شنوایی

برکناری بیش از **۱۰۰ مدیر متخلف**

مدیریت برق کشور و پایان قطعی های مکرر برق

مدیریت بحران کرونا با تولید و ورود سریع واکسن مورد نیاز با وجود تحریم ها

جبران **۵۵۰ هزار میلیارد** از بدهی های دولت قبل

احیای بیش از **ده هزار** کارخانه و کارگاه تولیدی

بیمه ۹۰ درصدی درمان ناباروری و بیماری های صعب العلاج

رایگان شدن درمان کودکان زیر هفت سال

خروج ایران از انزوای جهانی با عضویت در سازمان **شانگهای و بریکس**

میانگین سه سفر استانی در هر ماه ثبت رکورد ۱۳۹۲ طرح مصوب و ۲۱۰ دستور رییس جمهور در ۵۸ سفر استانی

صدور **یک میلیون و ۴۰۰ هزار** مجوز از طریق درگاه ملی مجوزهای کسب و کار

شفاف‌سازی صورت های مالی بانک‌ها و شرکت های دولتی برای اولین بار

شفاف کردن و سامان دادن **یارانه آرد و نان** و جلوگیری از قاچاق آرد

پیشبرد **کریدور شمال - جنوب بعد از** سال‌ها


خادم الرضا
از زمین خدمت، تا آسمان شهادت

در سال ۱۳۵۴ جهت ادامه تحصیل به حوزة علمیة قم و مدرسه آیت الله بروجردی رفت و مدتی نیز در مدرسه‌ای که با مدیریت آیت الله پسندیده تحت نظر امام خمینی اداره می‌شد، تحصیل نمود
سید ابراهیم رئیسی در حوزه علمیه قم، اصول فقه را نزد آیت الله مروی، لمعتین را محضر آیت‌الله فاضل هرندی، رسائل را نزد آیت‌الله موسوی تهرانی، مکاسب محرمه را خدمت آیت الله دوزدوزانی، کتاب البیع مکاسب را نزد آیت‌الله خزعلی، خیارات مکاسب را نزد آیت الله ستوده و آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی و کفایه را خدمت آیت‌الله سید علی محقق داماد، تفسیر قرآن کریم را نزد آیت الله مشکینی و آیت الله خزعلی، شرح منظومه و فلسفه را نزد آیت‌الله احمد بهشتی و دوره شناخت را نزد آیت الله مطهری و نهج البلاغه را محضر آیت الله نوری همدانی آموخت

آیت الله دکتر سید ابراهیم رئیسی از درس خارج اصول آیت الله سید محمدحسن مرعشی شوشتری و آیت الله هاشمی شاهرودی و خارج فقه آیت الله آقا مجتبی تهرانی و آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب استفاده کرده است علاوه بر این ایشان با اتمام دوره سطح حوزه توانست به دوره کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی راه یافته و پس از دفاع از پایان نامه خویش با عنوان «ارث بلا وارث» در سال تحصیلی ۱۳۸۰ با قبولی در کنکور دکترای مدرسه عالی شهید مطهری در رشته فقه و حقوق خصوصی ادامه تحصیل دهد
آیت الله سید ابراهیم رئیسی با تکمیل تحقیقات خود در حوزه فقه و حقوق، موفق به اخذ مدرک عالی‌ترین سطح آموزشی حوزه (سطح چهار) شد و در نهایت رساله دکترای خود را با عنوان «تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق» دفاع نمود و با اخذ نمره ممتاز به درجه دکترای فقه و حقوق در مدرسه عالی شهید مطهری نائل شد

فعالیت‌های سیاسی،اجتماعی،فرهنگی،انقلابی و مبارزاتی، مسئولیت‌ها

در پـی اهانـت بـه امـام خمینـی (ره) در روزنامـة اطلاعـات در ۱۷ دیماه سـال ۱۳۵۶ و آغـاز حرکت‌هـای مردمـی، دکتر رئیسـی در اجتماعـات اعتراضـی کـه مبـدأ اغلـب آنهـا مدرسـه آیـت اللـه بروجـردی (مدرسـه خـان) بـود، شرکـت داشـت و در قالـب هسـته‌ای از طلاب انقلابـی فعالیـت می‌نمـود. وی در ایـن دوران فعالیت‌هـای مبارزاتـی خـود را در قالـب ارتبـاط بـا علـمای انقلابـی آزاد شـده از زنـدان و یـا در تبعیـد، پـی گرفـت. همچنیـن در تجمعاتـی مثـل تحصـن علـما و روحانیـون در دانشـگاه تهـران، شرکـت نمـود. پـس از پیـروزی انـقلاب اسلامـی، وی در دوره تربیتـی خاصـی کـه مرحـوم شـهید بهشـتی جهـت کادرسـازی بـرای تأمیـن نیازهـای مدیریتـی نظـام اسلامـی برگـزار کـرده بـود، شرکـت کـرد و بـه دنبـال شـورش‌های مارکسیسـتی و ایجـاد مشـکلات متنـوع در مسـجد سـلیمان، بـه همـراه گروهـی از طلاب در قالـب فعالیتهـای فرهنگـی بـه آن منطقـه رفـت. پـس از بازگشـت از مسـجد سـلیمان، مجموعـه سیاسـی- عقیدتـی پـادگان آموزشـی ۰۲ در شـاهرود را تأسـیس و بـرای مـدت کوتاهـی آن را اداره کـرد



حضور در تظاهرات ضد رژیم

با اوج‌گیری مبارزه علیه رژیم شاه در سال ۱۳۵۶ که در پی شهادت آقا مصطفی خمینی و متعاقب آن، قیام ۱۹ دی‌ماه رخ داد، حجت‌الاسلام رئیسی که در آن موقع حدودا ۱۷ ساله بود، به همراه دیگر طلاب مبارز در تظاهرات حضور می‌یافت. وی در این باره می‌گوید: «در ایام انقلاب که تظاهرات در قم به طور رسمی از ۱۹ دی آغاز شد، در همه این تظاهرات شرکت می‌کردم. جوان بودم و روحیه جوانی داشتم و در همه اجتماعاتی که در خانه مراجع و علما برگزار می‌شد شرکت می‌کردم

بعد از جریان اهانت به حضرت امام که طی انتشار مقاله‌ای توسط فردی به نام رشیدی‌مطلق در روزنامه اطلاعات منتشر شده بود، مبدأ این اجتماعات بیشتر مدرسه آیت‌الله بروجردی بود. در بیشتر این اجتماعات از منزل مرحوم آیت‌الله گلپایگانی گرفته تا منزل همه علما شرکت می‌کردم؛ تا اینکه روز ۱۹ دی فرا رسید و در منزل آیت‌الله حسین نوری تیراندازی شد و عده‌ای به شهادت رسیدند. در همه این اجتماعات توفیق داشتم که در منازل علما باشم

کار ما همیشه تا ۱۹ دی این بود که صبح به منزل یکی از مراجع می‌رفتیم و شب به منزل یکی دیگر. از مراجع می‌رفتیم و شب به منزل یکی دیگر. بعد از ۱۹ دی هم ضمن اینکه سعی می‌کردیم به درس‌ها توجه داشته باشیم، اما در کنار آن حتما نسبت به خبرهای انقلاب و توجه به اطلاعیه‌ها و پیام‌های امام که از نجف می‌دادند حساسیت داشتیم و جزء برنامه‌های ما قرار گرفت. یعنی با توجه به آن شرایط علاوه بر مسئله درس، نسبت به مسائل سیاسی کشور حساسیت داشتیم. در تهران اجتماعاتی بود، گاهی به آنجا می‌رفتیم و گاهی هم در حرم بودیم

هسته مبارزاتی طلاب در مدرسه آیت‌الله بروجردی

در اجتماعات طلبگی در مدرسه آیت‌الله بروجردی هسته‌ای از بچه‌های انقلابی بود که مثلا جدیدترین اعلامیه‌ها را در مدرسه نصب می‌کردیم و جدیدترین نوارهای انقلابی مربوط به مقام معظم رهبری را که در مشهد بودند و به قم می‌آمد در اختیار دوستان قرار می‌دادیم. هسته‌ای بود که بیشتر جمعی از جوان‌های هم سن و سال خود ما در مدرسه آیت‌الله بروجردی بودند



«در اجتماعـات طلبگـی در مدرسـه آیت‌اللـه بروجـردی هسـته‌ای از بچه‌هـای انقلابـی بـود کـه مـثلا جدیدتریـن اعلامیه‌هـا را در مدرسـه نصـب می‌کردیـم و جدیدتریـن نوارهـای انقلابـی مربـوط بـه مقـام معظـم رهبری را کـه در مشـهد بودنـد و بـه قـم می‌آمـد در اختیـار دوسـتان قـرار می‌دادیـم

هسته‌ای بـود کـه بیشتر جمعـی از جوان‌هـای هـم سـن و سـال خـود مـا در مدرسـه آیت‌اللـه بروجـردی بودنـد. بعـد از بسـته شـدن فیضیـه و دارالشـفاء، مدرسـه خـان کـه مدرسـه آیت‌اللـه بروجـردی بـود و مرکزیـت داشـت هـر وقـت هـر کـس از منـزل بیـرون می‌آمـد و بـه حـرم می‌رفـت سری هـم بـه مدرسـه خـان مـی‌زد. مدرسـه خـان مرکزیـت و پایـگاه خبرگیـری و خبررسـانی دربـاره مسـائل انـقلاب شـده بـود.»

دستگیری توسط ساواک

«قبـل از انـقلاب یـک بـار در قـم دسـتگیر شـدم و آن هـم موقعـی بـود کـه بـا دو نفـر از طلبه‌هـا داشـتیم بـه یـزد می‌رفتیـم کـه در راه‌آهـن دسـتگیر شـدیم. تصـور می‌شـد همـراه مـا اعلامیه‌هـای امـام هسـت، البتـه همـراه بعضـی از دوسـتان بـود، ولـی بـه یـک شـکلی جاسـازی کـرده بودنـد کـه کسـی متوجـه نشـود کـه آن‌هـا هـم متوجـه نشـدند.»

اولین دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای

«علاوه بـر جلسـاتی کـه ایشـان [آیت‌اللـه خامنه‌ای]داشـتند، بـه عنـوان یـک طلبـه جـوان بـه همـراه دیگـر دوسـتان خدمـت ایشـان حـاضر می‌شـدیم

اولیـن برخـورد مـا بـا حضرت آقـا موقعـی بـود کـه بـا یکـی از دوسـتان بـه منـزل آقـای محامـی در مشـهد رفتـه بودیـم. آقـای محامـی در مشـهد نماینـده و وکیـل وجوهاتـی امـام بودنـد. همـه می‌دانسـتند ایشـان وکیـل امـام اسـت. بـه منـزل ایشـان رفتـه بودیـم کـه آقـای هاشـمی‌نژاد و آقـای خامنـه‌ای آنجـا آمـده بودنـد. ظاهـرا آن سـه بزرگـوار بـا هـم جلسـه داشـتند و مـن هـم بـا یکـی از دوسـتان طلبـه منـزل آقـای محامـی بـودم.»

گفتگو با آیت‌الله خامنه‌ای در مسجد کرامت

«دومین برخورد با حضرت آقا [در]مسجد کرامت بود که به عنوان طلبه با ایشان گفت‌وگویی داشتیم. دم در مسجد کرامت ایستاده بودیم و با ایشان صحبت می‌کردیم و مدت طولانی هم با بزرگواری حرف‌های ما را گوش می‌دادند.» دومین برخورد با حضرت آقا [در]مسجد کرامت بود که به عنوان طلبه با ایشان گفت‌وگویی داشتیم. دم در مسجد کرامت ایستاده بودیم و با ایشان صحبت می‌کردیم و مدت طولانی هم با بزرگواری حرف‌های ما را گوش می‌دادند

سفر به ایرانشهر برای دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای

«همیشه شیفته سخنرانی‌ها و شخصیت انقلابی ایشان [آیت‌الله خامنه‌ای] بودیم. به دلیل علاقه‌ای که به ایشان داشتم، قبل از پیروزی انقلاب یک سفر تبلیغی داشتیم که با بعضی از طلاب به رفسنجان رفته بودیم و سفر تبلیغی خود را به سفر سیاسی تبدیل کردیم. در آن زمان شروع کردیم با تبعیدی‌ها دیدار داشته باشیم. سراغ آقایان معادی‌خواه و خلخالی رفتیم. آقای خلخالی در رفسنجان در تبعید بود. از آنجا هم به عشق دیدار با حضرت آقا به ایرانشهر رفتیم. یک شب آنجا بودیم که دو نفر از طلبه‌ها را در خیابان دستگیر کردند که معمم بودند. ما دو نفر شخصی بودیم و به منزل حجتی کرمانی رفته بودیم. گفتند دیشب پنج شش بار از ساواک سراغ شما را گرفته‌اند که شما را ببرند که ما به شکلی این‌ها را دست به سر کردیم. بعد هم فرمودند اینجا یک راه مخفی در ذهنم هست که با یک نفر راه‌بلد شما را از آنجا رد می‌کنم، چون شما بلد نیستید.ساعت نه صبح که در منزل ایشان صبحانه خوردیم و آماده شدیم، فرمودند شما دو نفر با این‌ها حرکت کنید و از شهر بیرون بروید که این‌ها قطعا شما را می‌گیرند. ایشان عامل فراری دادن ما دو نفر از ایرانشهر شدند، چون دو نفر دیگرِ ما را دستگیر کرده بودند. آقایی بود که

ایشـان را می‌شناسـم منتهـی ایشـان هـم مـهمان بـود و بـه دیـدار ایشـان آمـده، ولـی راه بلـد بـود؛ چـون یـک ماهـی بـود کـه در منـزل آقـا حضـور داشـت

قبـل از انـقلاب بـه زاهـدان و منـزل آقـای کفعمـی رفتیـم کـه عـالم شـهر بـود و در منـزل ایشـان آقـای هاشـمی‌نژاد و آقـای طبسـی کـه بـه دیـدن آقـا در ایرانشـهر رفتـه بودنـد - منتهـی داشـتند بـر می‌گشـتند - هـم حضـور داشـتند. یـک شـبی منـزل آقـای کفعمـی بودیـم. وقتـی از ایرانشـهر بیـرون آمدیـم دیگـر تحـت تعقیـب نبودیـم.»

دو سـال قبـل از انـقلاب بـا طلبه‌هـا کـه می‌نشسـتیم و صحبـت می‌کردیـم گفتنـد اگـر شـاه بـرود چـه کسـی می‌خواهـد مملکـت را اداره کنـد؟ مـن هـم گفتـم همیـن آقـای خامنـه‌ای امـام جماعـت مسـجد کرامـت بهتریـن شـخص بـرای ریاسـت‌جمهوری اسـت. آن موقـع مـرا مسـخره کردنـد کـه ایـن چـه حرفـی اسـت کـه می‌زنـی؟ امـا انسـان در جبیـن ایشـان تـوان مدیریتـی را می‌دیـد

حجت‌الاسلام‌والمسـلمین رئیسـی در بخـش دیگـری از خاطراتـش می‌گویـد: «حضرت امـام همیشـه بـه عنـوان یـک شـخصیت الگـو و محـوری بودنـد، امـا یـادم می‌آیـد دو سـال قبـل از انـقلاب بـا طلبه‌هـا کـه می‌نشسـتیم و صحبـت می‌کردیـم گفتنـد اگـر شـاه بـرود چـه کسـی می‌خواهـد مملکـت را اداره کنـد؟

مـن هـم گفتـم همیـن آقـای خامنـه‌ای امـام جماعـت مسـجد کرامـت بهتریـن شـخص بـرای ریاسـت‌جمهوری اسـت. آن موقـع مـرا مسـخره کردنـد کـه ایـن چـه حرفـی اسـت کـه می‌زنـی؟ امـا انسـان در جبیـن ایشـان تـوان مدیریتـی را می‌دیـد. عـرض کـردم در مشـهد عـالم زیـاد داشـتیم، امـا عالمـی کـه جوانـان اعـم از دانشـجو و طلبـه را دور خـودش جمـع کنـد نداشـتیم. درس‌هـای تفسـیر ایشـان واقعـا جـا نبـود

ایـن درحالـی بـود کـه ایشـان تحـت تعقیـب و گاهـی زنـدان بودنـد و در تبعیـد نمی‌گذاشـتند کـه ایشـان آزادانـه عمـل کنـد، ولـی بـاز هـم در ایـن شرایـط از ایـن امـور غافـل نبودنـد و بدان‌هـا توجـه می‌کردنـد.» حضـور در میـان علـمای متحصـن

در بهمن ۵۷ هنگامی که علما در اعتراض به بسته شدن فرودگاه‌ها و ممانعت از ورد امام، در دانشگاه تهران متحصن شدند، حجت‌الاسلام رئیسی نیز در دانشگاه تهران فعالیت داشت. آن زمان [که]امام هنوز نیامده بودند، جزء جوانانی که در دانشگاه تهران فعالیت می‌کردند بودم؛ البته نه به عنوان متحصنین، چون علما متحصن بودند.در تمام آن یک هفته تحصن آنجا حضور داشتم، البته می‌گویم در عداد همان جوانانی که آنجا بودند فعالیت می‌کردم و دوست داشتم آنجا باشم. یعنی تمام آن یک هفته‌ای که آقایان تا آمدن امام متحصن بودند،در جمع همین جوانان پرشور حضور داشتم. بخشی از خاطرات شهید سید ابراهیم رئیسی است که در گنجینه تاریخ شفاهی مرکز اسناد انقلاب اسلامی ثبت و ضبط شده است و برای نخستین‌بار منتشر شد



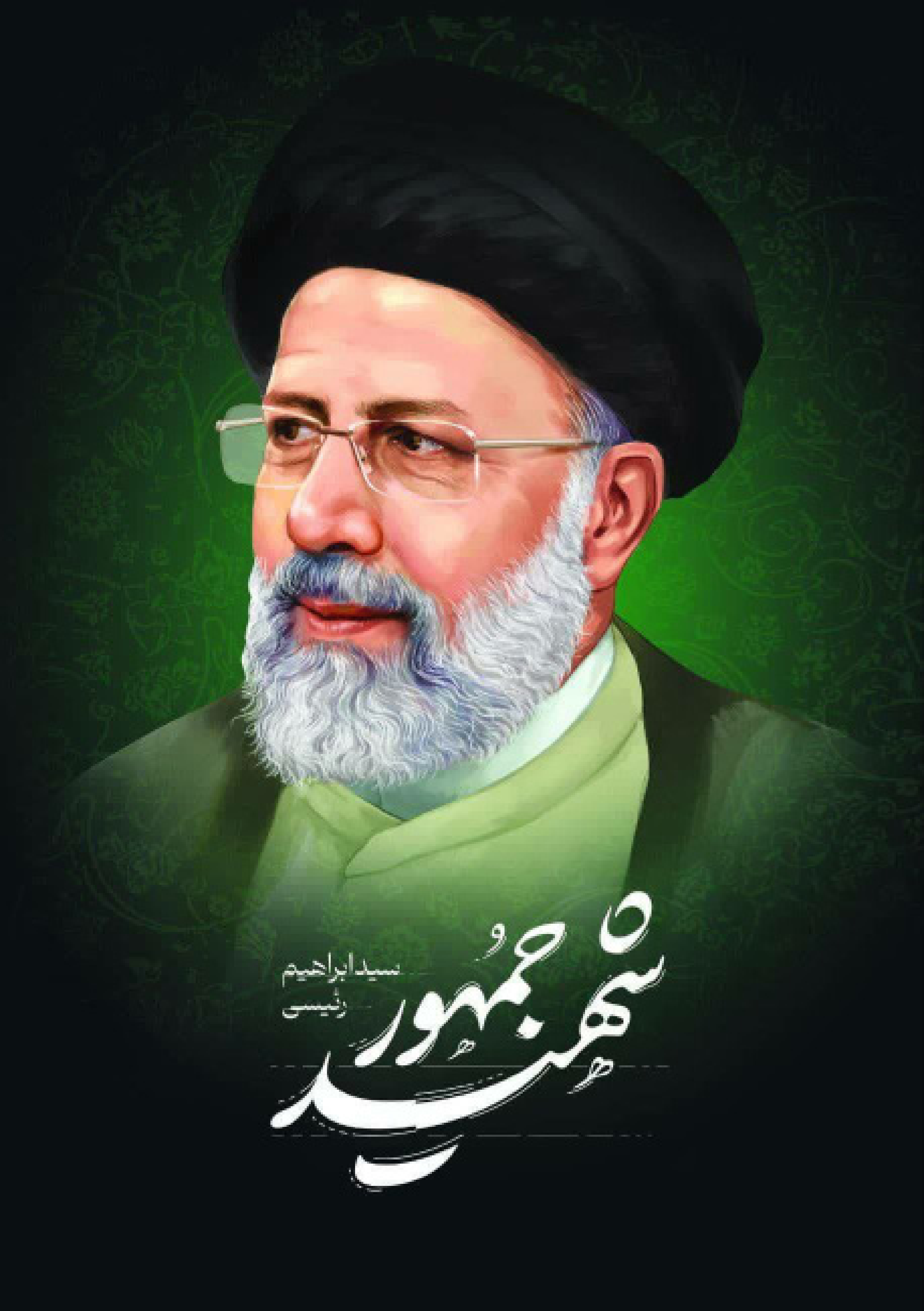


رئیسی عزیز خستگی نمیشناخت

» این حادثه‌ی ناگوار در اثنای یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همـ
جمهوری و چه پیش از آن، یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و
حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی را از دسـ
چیز ترجیح داشت، از این رو آزردگیهایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان، مانـ



ی مدت مسئولیت این انسان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست
به کشور و به اسلام سپری شد. رئیسی عزیز خستگی نمیشناخت. در این
ت داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر همه
و تلاش شبانه روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمیشد. ❝


سید ابراهیم
رئیسی
شهید جمهور

ای مرد، در میانه‌ی میدان چه می‌کنی؟!
در لابلای جنگل و باران چه می کنی؟!
میز ریاست تو چه کم داشت از رفاه
در ورزقان و در مه و بوران چه می‌کنی؟!
دل کنده از اوامر و دستور و پایتخت
در نقطه‌های مرزی ایران چه می‌کنی؟!
ای هفت‌روز هفته، به فکر ضعیف‌ها
هم شانه ی فقیر و ضعیفان چه می‌کنی؟!
تهران اگر که شهر و مقرّ ریاست است
پس در میان ایل و دهستان چه می‌کنی؟!
در نقطه صفر مرزی چه کار می‌کنی مرد؟
صندلی نهاد ریاست جمهوری خار داشت که پشت آن ننشستی تا این شب عیدی، پیام تبریک برای این و آن ارسال کنی؟
می‌خواستی مثلا بگویی مردمی هستی؟
خب سوار تویوتا لندکروز ضدگلوله می‌شدی و چند نفر آدم را پیدا می‌کردی و از بین‌شان ردی می‌شدی و صدای شاتر دوربین‌ها و تمام
به جهنم که پیرمرد روستای دیزج ملک از زمان رضاخان تا الان، یک فرماندار را از هم نزدیک ندیده. به جهنم که روستای کهنه‌لو به ورزقان یک جاده درست و حسابی ندارد. به جهنم که روستای کیغول یه درمانگاه ندارد و همین ماه پیش یک زن جوان، قبل از اینکه به زایشگاه شهرستان برسد، بچه‌اش سقط شد. لااقل یک جای نزدیک با دسترسی هموار می‌رفتی سید! سراغ نقطه‌ای رفتی که کل مملکت بسیج شده‌اند برای پیدا کردنت؟انصافت را شکر. می‌گویند آن‌جا باران گرفته. زیر باران دعا مستجاب است.دعا کن برای خودت. دعا کن برای ما؛ پیرمرد روستای کهنه‌لو را که یادت نرفته؟ همان که هنوز یک فرماندار را هم از نزدیک ندیده؟ دعا کن سید!

همه چیز درباره ماجراهای سال ۱۳۶۷ و اعدام منافقین

سید ابراهیم رئیسی از اعضای هیئت چهار نفره حوادث تابستان ۶۷ بود. این موضوع را پسر آیت الله منتظری در سال ۹۵ با انتشار نواری از پدرش خبری کرد و مرحوم روح الله حسینیان در این زمینه از رئیسی تقدیر کرد

"برخی از منافقینی که می‌گفتند ما توبه کرده‌ایم، بعد از آزادی از زندان دوباره اسلحه به دست گرفته و مردم و مسئولان را ترور کردند. ... آقای رییسی کسی است که در دهه ۶۰ با برخورد با منافقین امنیت کشور را تامین کرد، به جای اینکه از ایشان تقدیر شود برخی در انتخابات آن حرف‌ها را علیه ایشان مطرح کردند"

رئیسی درباره این موضوع، مدتی سکوت کرد اما در سال ۹۷ در پاسخ به سوالی در روز دانشجو ماجرا را اینگونه روایت کرد:

"در سال ۶۷ افرادی از منافقین پرونده آنها مورد رسیدگی قرار گرفته بود و دادگاه حکم داده بود و دیوان عالی کشور نیز تایید کرده بود، ولی فورا نیاز نبود که حکم‌شان اجرا شود

امام خمینی گفتند آنها که حکمشان تایید شده ولی اجرای آن به دلایلی به تاخیر افتاده، هیاتهایی بنشینند و بررسی کنند که آیا شرایط اجرای حکم وجود دارد یا نه؟

فقط برای کسانی که جرم و حکمشان قطعی شده بود...

من به دفتر نشر آثار امام(ره) گفتم مبانی فقهی حکم امام را توضیح دهند.

برخورد امام در جریان نفاق، برای همیشه کشور را از لوث منافقین پاک کرد اما برخی برای آنکه هدف برایشان، وسیله را توجیه می‌کند، نسبت به من و امام و انقلاب تسویه کردند، در حالی که من هیچکدام از آن سه سمت تصریح شده را در حکم امام نداشتم"

پرونده بهزاد نبوی و خسرو تهرانی در سال ۱۳۶۰
پرونده انفجار نخست‌وزیری در هشت شهریور ۶۰، در سه مرحله رسیدگی شد. در مرحله سوم، محمد موسوی خوئینی‌ها مسئولیت رسیدگی را به ابراهیم رئیسی معاون سیاسی دادسرای انقلاب تهران داد.
شماری از اعضای جناح چپ چون خسرو تهرانی مسئول سابق اطلاعات نخست‌وزیری دستگیر شدند و سعی بر بازداشت بهزاد نبوی سخنگوی دولت محمد علی رجایی نیز شد. در نهایت اما امام این پرونده را مختومه کرد
رئیسی در سال ۸۸ نیز از سوی محمود هاشمی شاهرودی رئیس وقت قوه قضائیه مامور شد تا در قالب هیات ویژه سه نفره به موضوع آزار و اذیت در بازداشتگاه کهریزک بپردازد
مهدی کروبی اعلام کرده بود که برخی معترضان بازداشت‌شده در بازداشتگاه کهریزک آزار و اذیت شده‌اند. این هیات ویژه سخنان کروبی را رد کرد و خواستار برخورد «قاطع» با افرادی شد که با نشر «اکاذیب» باعث «هتک حیثیت و اعتبار» نظام شدند
ابراهیم رئیسی «مسئله کهریزک» را «حاشیه‌ای» دانست و گفت متن اصلی ظلم بزرگ به نظام اسلامی است

[در ۳۱ دسامبر ۲۰۱۰، ابراهیم رئیسی، معاون قوه قضاییه ایران از قصد این قوه برای محاکمه رهبران مخالف دولت سخن گفت. او با متهم کردن مهدی کروبی و میرحسین موسوی از رهبران مخالفان دولت به ضربه زدن به ارزش‌های نظام، اعلام کرد که دستگاه قضا با قاطعیت، سران فتنه را محاکمه می‌کند
رئیسی همچنین معتقد است که حصر سران جنبش سبز اقدامی قضایی نبوده و حصر خانگی به منظور تأمین امنیت خود آن‌ها است

ورود آیت الله رئیسی به عرصة مدیریت از سال ۱۳۵۹ و با حضور در جایگاه دادیاری شهرستان کرج آغاز شد و پس از مدتی با حکم شهید قدوسی، به سمت دادستان کرج منصوب شد.

موفقیت او در ساماندهی وضعیت پیچیده این شهر موجب شد تا پس از دو سال در تابستان ۱۳۶۱ همزمان با دادستانی شهر کرج، مسئولیت دادستانی شهر همدان را نیز عهده دار شود. حضور همزمان او در این دو مسئولیت، برای مدتی ادامه یافت تا آنکه به عنوان دادستان استان همدان معرفی شد و از سال ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳، در این سمت خدمت نمود

دکتر رئیسی در سال ۱۳۶۲ در سن ۲۳ سالگی با دکتر جمیله سادات علم الهدی دختر ارشد آیت الله سید احمد علم الهدی ازدواج کرد. خانم دکتر علم الهدی دانشیار رشته فلسفه علوم تربیت دانشگاه شهید بهشتی تهران، رییس سابق پژوهشگاه علوم انسانی است. آیت الله رئیسی و خانم دکتر علم الهدی دارای دو فرزند دختر هستند.

دکتر رئیسی که اهتمام ویژه ای به تحصیل خود و اعضای خانواده اش دارد، دختر اول ایشان متاهل و دارای دو مدرک کارشناسی ارشد است. یکی در رشته علوم اجتماعی از دانشگاه الزهرا (سلام الله علیها) و دیگری در رشته علوم قرآن و حدیث از دانشگاه علوم حدیث شهر ری و دختر دوم وی نیز متاهل و دانشجوی کارشناسی رشته فیزیک دانشگاه شریف است

آیت الله رئیسی در سال ۱۳۶۴ به عنوان جانشین دادستان انقلاب تهران منصوب شد و به این ترتیب، دوره مدیریت قضایی ایشان در تهران آغاز شد. به دنبال موفقیت وی در حل پرونده های قضایی پیچیده، امام خمینی (ره) طی احکام ویژه و مستقیم ، ایشان و حجه الاسلام نیری را برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی در برخی استانها از جمله لرستان، کرمانشاه و سمنان مامور کرد



بعـد از رحلـت امـام (ره) آیـت اللـه سـید ابراهیـم رئیسـی بـا حکـم رئیـس قـوه قضائیـه وقـت بـه سـمت دادسـتان تهـران منصـوب شـد و از سـال ۱۳۶۸ تـا ۱۳۷۳ بـه مـدت پنـج سـال ایـن مسـئولیت را برعهـده داشـت. ایشـان از سـال ۱۳۷۳ بـه ریاسـت سـازمان بازرسـی کل کشـور منصـوب شـد کـه خدمـت ایشـان در ایـن سـمت تـا سـال ۱۳۸۳ ادامـه یافـت. دوره مدیریـت آیـت اللـه رئیسـی بـر سـازمان بازرسـی کل کشـور نقطـه عطفـی در زندگـی ایشـان بـود. وی کـه یـک مدیریـت کلان ملـی را بـه مـدت ده سـال تجربـه مـی کـرد بـا اتـکاء بـه تجربیـات اندوختـه خـود نظـارت بـر دسـتگاه‌های اداری را متحـول و نظـام منـد کـرد.

سـازمان بازرسـی کل کشـور در زمـان تصـدی ایشـان بـا توسـعه متـوازن سـاختاری مواجـه شـد و بـه عنـوان یکـی از ارکان نظارتـی نظـام جمهـوری اسلامـی تثبیـت شـد. ایـن دوران کـه بـا روی کارآمـدن دولـت اصلاحـات همزمـان بـود بسـیاری از گـره هـای نظـام اداری و اقتصـادی شناسـایی و راهـکار بـرون رفـت از زمینـه فسـاد در آن تدویـن شـد. بعضـی پرونـده هـای جنجالـی مفاسـد اقتصـادی محصـول فعالیـت شـبانه روزی آیـت اللـه رئیسـی و همکارانـش در ایـن سـازمان و درآن دوره بـود



رهبر انقلاب در پیام شهادت رئیس جمهور:

او صلاح و رضایت مردم را بر همه چ

در این حادثه‌ی تلخ، ملت ایران، خدمتگزار صمیمی و مخلص و با ارزشی
همه چیز ترجیح داشت، از این رو آزردگیهایش از ناسپاسی و طعن برخی بدخواهان



...چیز ترجیح می‌داد

...را از دست داد. برای او صلاح و رضایت مردم که حاکی از رضایت الهی است بر
...، مانع تلاش شبانه روزیش برای پیشرفت و اصلاح امور نمی‌شد. ❝

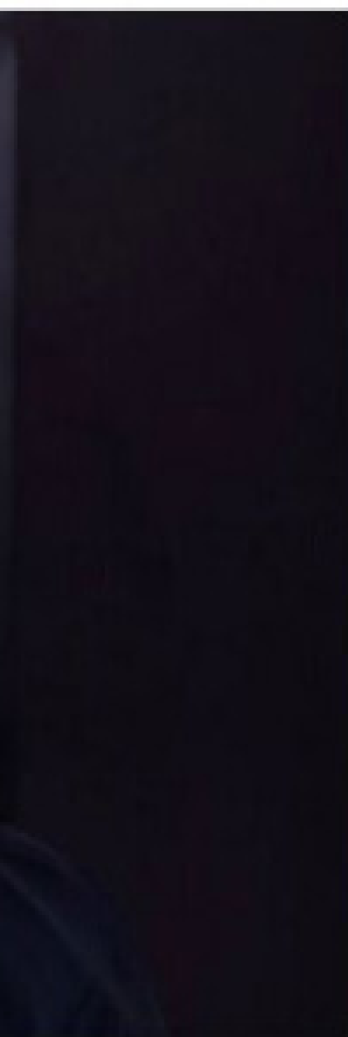


آیت الله رئیسی از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳، به مدت ده سال معاون اول قوه قضائیه بود. ایشان که دو رئیس قوه را در این سمت تجربه می کرد به عنوان یکی از مسئولان ارشد قضایی کشور مسئولیت سازماندهی و اداره تشکیلاتی این مجموعه را بر عهده داشت و از سال ۱۳۹۳ تا اسفند ۱۳۹۴ نیز به عنوان دادستان کل کشور خدمت نمود

آیت الله رئیسی از سال ۱۳۹۱ تا سال ۱۴۰۰ با حکم مقام معظم رهبری، دادستان ویژه روحانیت نیز بود.در سال ۱۳۷۶، ایشان به پیشنهاد برخی اعضای مؤثر جامعة روحانیت مبارز از جمله آیت الله مهدوی کنی و تصویب شورای مرکزی جامعه روحانیت به عضویت در آن شورا در آمد

در اسـفند ۱۳۹۴، آیـت االله رئیسـی بـا حکـم آیـت اللـه العظمـی خامنـه‌ای (مدظلـه العالـی) بـه تولیـت آسـتان قـدس رضـوی منصـوب شـد.
ایشـان در سـه سـال فعالیـت در سـمت تولیـت آسـتان قـدس رضـوی ، اقدامـات موثـری در چارچـوب خدمـت موثـر بـه حـرم نورانـی حضرت ثامـن الحجـج علـی بـن موسـی الرضـا(ع) و ارائـه خدمـات بـه زائـران ایـن بـارگاه قدسـی در پایتخـت معنـوی ایـران اسلامـی انجـام داد. رسـیدگی بـه امـور زائـران بـارگاه مقـدس امـام هشـتم(ع)، خدمـت بـه مجـاوران و بـه ویـژه مسـتمندان و مسـتضعفان حـرم رضـوی، ترویـج معـارف قرآنـی و مکتـب اهـل بیـت(ع) در جهـان اسلام، بهـره منـد سـاختن تهیدسـتان نقاطـی از کشـور کـه موقوفـات آسـتان قـدس در آن قـرار دارد و سـامان بخشـیدن بـه بنگاههـای اقتصـادی و خدماتـی آسـتان قـدس رضـوی، مـوارد مـورد تاکیـد رهبر معظم انـقلاب اسلامـی در منشـور هفتگانـه حکـم انتصـاب آیـت اللـه رئیسـی در سـمت تولیـت آسـتان قـدس رضـوی بودنـد













مشـی رئیسـی بـا طبسـی در اداره آسـتان قـدس تفـاوت چشـم‌گیری داشـت و علنی‌تریـن تفـاوت در توزیـع غـذای حضرت بـود، یعنـی غذایـی کـه بـر اسـاس نـذری هـر روز در حـرم پخته می‌شـود و پیش‌تـر بـه راحتـی نصیـب مشـهدی‌ها یـا زوار نمی‌شـد و معمـولا اگـر یـک پـرس غـذای حضرت نصیـب کسـی می‌شـد، یـک یـا چنـد خانـواده بـه عنـوان تبرک از آن می‌خوردنـد. امـا در زمـان رئیسـی کیفیـت غـذا افـت کـرد و توزیعـش عمومی‌تـر شـد، حتـی در اوایـل حضـورش در آسـتان، ژتـون غـذای حضرت در ورودی‌هـای مشـهد توزیـع می‌شـد. برخـی ایـن حرکـت رئیسـی یـا حضـورش در مناطـق محـروم شـهر را تبلیغاتـی می‌دانسـتند. شـهید رئیسـی اهـل معاملـه و تظاهـر نبـود و تلاش در راه خـدا و خدمـت بـرای مـردم مـی کـرد و ایـن سـه ویژگـی باعـث شـده بـود وی دارای یـک شـخصیت الهـی شـود و در هـر جـا موفـق و درخشـنده شـود. نـگاه وی در آسـتان نگاهـی فراتـر از شـهر مشـهد و اسـتان خراسـان رضـوی بـود و حتـی وی ایـن نـگاه را بـا اقدامـات خـود در آسـتان فراملـی کـرده بـود. تشـکیل کانـون هـای خدمـت رضـوی در سـطح کشـور بـرای ایجـاد زمینـه خدمـت و همـکاری علاقمنـدان امـام رضـا(ع) در کشـور یکـی از اقدامـات مانـدگار آیـت اللـه رئیسـی بـود کـه توانسـت بـا برخـی از اقدامـات بخشـی از بـار محرومیـت زدایـی در کشـور را بـه دوش بکشـد. ایجـاد شـبکه عظیـم خدمـت بـه امـام رضـا(ع) و ترویـج فرهنـگ ولایـی و خدمـت امـام رضایـی در کشـور و مسـتضعف پـروری از کارهـای شایسـته شـهید رئیسـی در آسـتان قـدس رضـوی بـود. کانـون هـای خدمـت رضـوی در اسـتان اردبیـل منشـاء خیـر و برکـت بـوده اسـت و خـادم یـاران امـام رضـا (ع) در حـوزه تهیـه جهازیـه، سـاخت مسـکن محرومیـن، درمـان و سـایر کارهـای خوبـی را انجـام داده اند.نـگاه کلان بینانـه و عمیـق آیـت اللـه رئیسـی در آسـتان و افـق دیـد وسـیع وی باعـث شـد از ظرفیـت آسـتان قـدس رضـوی در سـطح کشـور اسـتفاده هـای فـراوان شـود و در سـطح بین‌المللی نیـز مطـرح شـود... علـی حسـن زاده دبیـر کانـون هـای خدمـت رضـوی اسـتان اردبیـل در گفـت و گـو بـا ایسـنـ


آستان قدس رضوی
خادم
شهید سید ابراهیم رئیسی

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در حکمی حجت الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی را به ریاست قوه‌ی قضائیه منصوب کردند. رهبر انقلاب اسلامی در این حکم با تأکید بر لزوم تحول در قوه قضائیه و آغاز پرقدرت دوران جدیدی که زیبنده گام دوم انقلاب باشد، از فقاهت، دانش، تجربه، سلامت، امانت و کارآمدی حجت الاسلام و المسلمین رئیسی در مقاطع گوناگون خدمت و سوابق طولانی ایشان در قوه قضائیه و آشنایی کامل با همه زوایای آن، به عنوان دلایل این انتخاب یاد، و در ادامه هشت توصیه مهم خطاب به رئیس جدید قوه قضائیه بیان کردند

متن حکم رهبر معظم انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب مستطاب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی دامت برکاته... آغاز دهه‌ی پنجم انقلاب و گذشت چهل سال از تشکیل دادگستریِ مبتنی بر فقه و حقوق اسلامی، ایجاب میکند که با تکیه بر تجربه‌ها و دستاوردها و رهنمودهای انباشته در این نصاب زمانی، تحوّلی متناسب با نیازها و پیشرفتها و تنگناها در قوه‌ی قضائیه صورت گیرد و دستگاه عدالت با نَفَسی تازه و انگیزه‌ئی مضاعف و نظم و تدبیری حکمت‌آمیز، دوران جدیدی را که زیبنده‌ی گام دوم انقلاب است، با قدرت و جدیت آغاز کند.اینجانب برای تحقق این مقصود حیاتی، جنابعالی را برگزیده‌ام که دارای سوابق طولانی در سطوح مختلف قوه‌ی قضائیه و آشنا با همه‌ی زوایای آن میباشید و از طرفی در کنار فقاهت از تحصیلات حقوقی و دانش و تجربه در این عرصه مهم برخوردارید، و سلامت و امانت و کارآمدی خود را در مقاطع گوناگون خدمت نشان داده‌اید. سند تحول قضائی پیشنهادی جنابعالی را ملاحظه کردم. بر اساس مشورتها و نظرات کارشناسی، آنرا مفید و کارساز میدانم. با این حال چند نکته را مؤکداً به جنابعالی سفارش میکنم



نخست آنکه برای همه‌ی فصول این سند و بندهای ذیل آنها، زمان تعیین کنید و خود و همکارانتان را بر پایبندی به سرآمد برنامه الزام نمائید. در زمانبندیها نه عجله و نه مماطله نباید راه داده شود

دوم آنکه در همه‌ی فصول تحول، مردمی بودن و انقلابی بودن و ضد فساد بودن را رعایت کنید.

سوم آنکه عنصر نیروی انسانی صالح را در رأس عوامل تحول و پیشرفت قوه بدانید. سلامت قضات و پاکیِ دامن آنان از هر گونه فساد، شرط لازم و اوّل برای همه توفیقات شما است. در ریشه‌کنی فساد از درون قوه که مایه‌ی مباهات شما و سرافرازی اکثریت قضات دادگاهها و دادسراها است، هیچ تردید و درنگ نکنید.

چهارم آنکه گسترش عدل و احیاء حقوق عامه و آزادیهای مشروع و نظارت بر اِعمال قانون را که در شمار هدفهای قوه قضائیه در قانون اساسی است در رأس برنامه‌ها قرار دهید. این موجب اعتماد مردم و دلگرمی آنان به قوه قضائیه در حوادث و منازعات خواهد شد.

پنجم آنکه در برخورد قضائی ملاحظه‌ی این و آن را نکنید.

ششم آنکه از جوانان صالح و انقلابی و فاضل در مسؤولیتهای قوه استفاده کنید.

هفتم آنکه قاضی و دادگاه را عزیز بدارید. احساس عزت و شرافت در قاضی، سدّ محکمی در برابر انگیزه‌ها و عوامل نفوذ و انحراف است.

هشتم آنکه همکاری با قوای مجریه و مقننه و هم‌افزایی با آنان را که سفارش همیشگی اینجانب است در نظر داشته باشید. آنان نیز موظف به همراهی و همکاری با شمایند.

در پایان لازم میدانم از آیت الله آملی بخاطر تلاشهای ارزشمندشان تشکر و قدردانی کنم و برای توفیق کامل جنابعالی و همکارانتان دست دعا و توسل به درگاه ربوبی بلند کنم و توجهات و دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را مسألت نمایم.

والسلام علیکم و رحمة الله

دیدار یاران



درد مشترک

اینجانب فرزند ملت بزرگ ایران و سرباز کوچک انقلاب اسلامی، به صورت **مستقل به صحنه آمده‌ام** و تنها در برابر ذات اقدس الهی و پیشگاه ملت ایران متعهد و مسؤولم.

بیانیه انتخاباتی سید ابراهیم رئیسی



آیت الله رئیسی در ۱۶ اسفند سال ۱۳۹۷ با حکم رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) به ریاست قوه قضائیه منصوب شدند. عملکرد دستگاه قضا در دوران ریاست جناب آقای رئیسی به دلایلی چند؛ تراز این دستگاه را در نظام حکمرانی جمهوری اسلامی بالا برد . آیت الله رئیسی با مدیریت میدانی و پیگیری و رسیدگی نزدیک به مشکلات قضائی مردم، برخورد قاطع و بدون اغماض با مفسدان اقتصادی ، تدوین و نهایی کردن سند تحول قضایی و هوشمند سازی قوه قضائیه، گام های جدی در جهت ارتقای عدالت قضایی برداشت تاجایی که رهبر معظم انقلاب انجام این تحول و ایجاد امید در دل مردم را ستودند . رئیسی برنامه‌های خود برای اداره قوه قضائیه را زیر عنوان سند تحول قضایی برای رهبر ایران ارسال کرده بود.

در ارزیابی کارنامه رئیسی می‌توان به برگزاری دادگاه‌های علنی مبارزه با فساد اقتصادی و محاکمه اشخاص سرشناس، آقازاده‌ها و برخی مدیران و مسئولان، تلاش‌ها برای پاک‌سازی درونی قوه قضاییه از عناصر و قضات فاسد، تحرکات میدانی ریاست قوه قضاییه و سرکشی سرزده به واحدهای قضایی و زندان‌ها و نیز انجام سفرهای استانی، کاهش اطاله دادرسی، تأسیس مجتمع ویژه مبارزه با فساد اقتصادی، به رسمیت شناختن جرم سیاسی، اجرایی کردن برخی از قوانین بر زمین مانده، از جمله مواردی است که در دوره ریاست قوه قضاییه مورد توجه قرار گرفته است. رئیسی پس از رسیدن به ریاست قوه «مبارزه با فساد» را شعار خود قرار داد. قوه قضائیه در این دوره تمرکز زیادی بر پرونده‌های فساد کارکنان این قوه در دوره ریاست لاریجانی داشت. اکبر طبری معاون سابق رئیس قوه و قاضی منصوری از جمله افرادی بودند که در این دوره مورد پیگرد قضایی قرار گرفتند.در ۱۳ آبان ۱۳۹۸ تحریم وزارت خزانه‌داری ایالت متحده آمریکا ۹ تن از افرادی را که از «نزدیکان سید علی خامنه‌ای» نامید، از جمله سید ابراهیم رئیسی را تحریم کرد



حجة الاسلام والمسلمین سید ابراهیم رئیسی

تلاشگر بی وقفه برای خدمت به مـ

”با اندوه و تاسف فراوان خبر تلخ درگذشت شهادت گونه‌ی عالم مجـ
حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید ابراهیم رئیسی و همراهان گرامـ
یک تلاش خدمت‌رسانی اتفاق افتاد؛ همه‌ی مدت مسئولیت این انسـ
یکسره به تلاش بی‌وقفه در خدمت به مردم و به کشور و به اسلام سپری شد.“



ردم، کشور و اسلام

جاهد، رئیس جمهور مردمی و با کفایت و پرتلاش، خادم الرضا (ع) جناب
ی ایشان رضوان الله علیهم را دریافت کردم. این حادثه‌ی ناگوار در اثنای
ان بزرگوار و فداکار چه در دوران کوتاه ریاست جمهوری و چه پیش از آن،

سید ابراهیم رئیسی در سیزدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرد و به همراه چند نامزد اصول‌گرای دیگر تأیید صلاحیت شد. شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی،جبههٔ پایداری انقلاب اسلامی، شورای وحدت نیروهای انقلاب اسلامی (شورای وحدت اصول‌گرایان)،ائتلاف وحدت ملی رسماً از وی حمایت کردند. پیش‌بینی می‌شود که او پیشاپیش پیروز انتخابات است.عبدالحمید اسماعیل‌زهی امام‌جمعه اهل‌سنت زاهدان حمایت خود را از رئیسی در انتخابات ۱۴۰۰ اعلام کرد. سرانجام آیت الله رئیسی درسال ۱۴۰۰ با شرکت در سیزدهمین دوره ریاست جمهوری، با کسب بیش از ۱۸میلیون رای مردم درانتخابات ۲۸ خرداد ۱۴۰۰، حالا رئیس جمهور ایران است





سوابق آیت الله دکتر رئیسی در مجلس خبرگان رهبری

آیت الله رئیسی در سال ۱۳۸۵، از طرف جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و جامعهٔ روحانیت مبارز و به توصیهٔ نخبگان استان خراسان جنوبی برای عضویت در چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری نامزد شد که با کسب اکثریت آرا مردم انتخاب شد. دو سال پس از حضور در این مجلس، خبرگان ملت ایشان را به عنوان عضو هیأت رئیسه برگزید و عضویت ایشان در این جایگاه ،تا اتمام دور چهارم، با رأی نمایندگان محترم مجلس خبرگان تمدید شد.آیت الله رئیسی در دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۳۹۴ نیز با کسب اکثریت قاطع آرا برای دومین بار به عنوان نمایندهٔ مردم شریف خراسان جنوبی برگزیده شد و در اسفند ۱۳۹۷، در جریان برگزاری ششمین اجلاسیه دوره پنجم مجلس خبرگان رهبری، آیت الله رئیسی به عنوان نایب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری انتخاب شد و تا امروز نیز همچنان نائب رئیس اول مجلس خبرگان رهبری می باشند

در انتخابات ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۴۰۲، آیت‌الله رئیسی با کسب ۸۲.۵۷ درصد آرای مردم برای سومین بار به مجلس خبرگان راه یافت

اهم سوابق مدیریتی و سیاسی

سیزدهمین رئیس جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۴۰۰ تاکنون

ریاست قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران

نایب‌رئیس اول مجلس خبرگان رهبری

تولیت آستان قدس رضوی

عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام به عنوان عضو حقیقی و حقوقی

معاون اول قوة قضاییه

دادستان کل کشور

ریاست سازمان بازرسی کل کشور

دادستان تهران

دادستان انقلاب اسلامی کرج و استان همدان

عضویت در دوره‌های چهارم و پنجم مجلس خبرگان رهبری از حوزه انتخابیه خراسان جنوبی

اولین دبیر ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر کشور

مؤسس حوزه علمیه فاطمه الزهرا سلام الله علیها (ویژه خواهران) در تهران (کوی نصر)

مؤسس مرکز تخصصی شیعه‌شناسی امام هادی علیه السلام زیرنظر حوزه علمیة قم

مأموریت قضایی امام خمینی (ره) به حجت الاسلام رئیسی به همراه حجت الاسلام نیری جهت رسیدگی به گزارشات ویژه

عضویت در هیأت امنای ستاد اجرایی فرمان امام (ره) به مدت ده سال از سوی مقام معظم رهبری

زندگی و سوابق سیاسی
سید ابراهیم رئیسی



۱۳۳۹
تولد در محله نوغان مشهد

۱۳۵۴
عزیمت به قم جهت ادامه تحصیل

۱۳۵۶
پیوستن به هسته‌های انقلاب

۱۳۵۹
دادیار و دادستان کرج

۱۳۶۱
دادستان شهر همدان

۱۳۶۴
جانشین دادستان انقلاب تهران

۱۳۶۸
دادستان تهران

۱۳۷۳
دوره ده ساله ریاست سازمان بازرسی

۱۳۸۳
آغاز دوره ده سال معاون اول قوه قضائیه

۱۳۹۳
دادستان کل کشور

۱۳۹۴
تولیت آستان قدس رضوی

۱۳۹۶
نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری برای نخستین بار

۱۳۹۷
ریاست قوه قضائیه با حکم رهبر معظم انقلاب

۱۴۰۰
نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری و پیروز به عنوان هشتمین رئیس جمهور ایران

اهم مسئولیت‌ها به اعتبار جایگاه حقوقی

عضو شورای عالی فضای مجازی

عضو شورای عالی استاندارد

عضو شورای عالی نفت

عضو شورای توسعه شرق و غرب کشور

عضو شورای عالی پول و اعتبار

عضو ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی

عضو ستاد مبارزه با مواد مخدر

سخنرانی در اجلاس‌های بین المللی

اجلاس مبارزه با فساد اداری در قاره آفریقا

اجلاس مبارزه با جرائم سازمان یافته در آرژانتین

اجلاس سلامت اداری در سوچی روسیه

اجلاس حقوق بشر در پاکستان

اجلاس نقش عاشورا در تحولات اجتماعی - استانبول ترکیه

اجلاس دلالت های قانون اساسی در حفظ حقوق بشر - نیجریه

اجلاس همکاری های بین المللی در مبارزه با فساد - چین

اجلاس حقوق بشر سازمان ملل - ژنو

اجلاس مبارزه با فساد اداری در فیلیپین

و انتصاب به عنوان قائم مقام بازرسان کل آسیا

و ده ها نشست تخصصی دیگر با حضور مقامات کشورهای خارجی


سید ابراهیم
رئیسی
شهید جمهور

سوابق علمی

سطح چهار فقه و اصول از حوزه علمیه قم

دکترای فقه و مبانی حقوق با گرایش حقوق خصوصی

از مدرسه عالی شهید مطهری

تدریس متون فقهی سطح عالی و قواعد فقه قضاء و فقه اقتصاد

در حوزه‌های علمیه تهران و دانشگاه‌ها

کتب چاپ شده

کتاب تقریرات درس قواعد فقه (بخش قضایی)

توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس ضوی

کتاب تقریرات درس قواعد فقه (بخش اقتصادی)

توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی

کتاب تقریرات درس قواعد فقه (بخش عبادی)

توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی

ارث بلاوارث در فقه و حقوق توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق توسط انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی

فقه وقف توسط بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی


شهید جمهور
سید ابراهیم
رئیسی

حالا تو خود، گنجی از حرم شده ای

دوباره بغض در گلو دوباره ناله و غم
دوباره آه و غصه و دوباره گریه و دم
که یار رهبرم شده فدائی مردم
همان که بود عمری از خادمان حرم



آیـت اللـه رئیسـی علاوه بـر مسـؤولیت‌های کلان کشـوری، بنـا بـه توصیـه مکـرر آیـت اللـه مهـدوی کنـی و آیـت اللـه حـاج آقـا مجتبـی تهرانـی مبنـی بـر حفـظ ارتبـاط درسـی خـود بـا طلاب، از سـال ۸۰ تـا کنـون بـه عنـوان مـدرس در مـدارس علمیـه تهـران از جملـه مـدارس مجـد، امیرالمومنیـن علیـه الـسلام، امـام حسـین علیـه الـسلام و مـروی بـه تدریـس دروس سـطوح عالـی: رسـائل و مکاسـب، کفایتیـن و درس خارجـه فقـه (قواعـد فقهیـه) مشـغول بـوده انـد

ایشـان بعـد از انتقـال بـه مشـهد مقـدس از ابتـدای سـال تحصیلـی ۱۳۹۵ در مدرسـه عالـی نـواب مشـهد و پـس از ان در مدرسـه علمیـه ۲ درب حـرم مطهـر تدریـس در موضـوع «فقـه وقـف» را آغـاز کـرد و طـی دو سـال تحصیلـی موضـوع وقـف و نـذر را بـه صـورت کامـل تدریـس نمـود و در ادامـه (سـال تحصیلـی ۹۷) درس خـارج فقـه بـا موضـوع امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر را شروع کـرد کـه مورد اسـتقبال باشـکوه فـضلا حـوزه علمیـه مشـهد نیـز قـرار گرفـت تـا کنـون یـک دوره از درس‌هـا حـوزوی ایشـان در زمینـه قواعـد فقـه در قالـب سـه جلـد کتـاب بـا عنـوان قواعـد فقـه عبـادی قواعـد فقـه قضایـی و قواعـد فقـه اقتصـادی بـه رشـته تحریـر درآمـده اسـت و کتـاب وقـف و امـر بـه معـروف و نهـی از منکـر ایشـان نیـز کـه طـی سـه سـال اخیـر در حـوزه علمیـه مشـهد تدریـس کـرده انـد در حـال تدویـن می‌باشـد

آیـت اللـه علاوه بـر ایـن در دانشـگاه نیـز در مقاطـع کارشناسـی ارشـد و دکتری دانشـگاه امـام صـادق (علیـه الـسلام) و دانشـگاه شـهید مطهـری و دانشـگاه آزاد اسلامـی بـه تدریـس دروس تخصصـی فقـه قضـا، فقـه اقتصـاد، اصـول فقـه و قانـون مدنـی پرداختـه اسـت

کتب در دست انتشار

ارث بلاوارث در فقه و حقوق

تعارض اصل و ظاهر در فقه و حقوق

سیر تحول در نظارت و بازرسی

مدیریت کارآمد

نظارت اثر بخش

تأثیر متقابل تصمیمات قضایی و اقتصادی

جایگاه نظارت و بازرسی در اسلام

عدالت و تأثیر آن بر سبک زندگی

و ده‌ها سخنرانی علمی در حوزه‌های اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی و حقوقی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و سمینارهای تخصصی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های کشور

مسئولیت‌های کنونی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام جمهوری اسلامی ایران

نائب رئیس مجلس خبرگان رهبری جمهوری اسلامی ایران

عضو شورای‌عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

عضو شورای‌عالی انقلاب فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

از اول ابراهیم، همت داشت
تا مثل استادش، بهشتی شه
خورشید بود و رو زمین افتاد
تا آسمون کشور ابری شه



آقای رئیسی!کدام «خواص» را «مردود» می‌دانست؟

این مسئله مهمی است که باید نسبت به آن تأکید کرد، اگر مسئله‌ای در ذهن‌ها شکل بگیرد و شما بخواهید آن را تغییر دهید، کار سختی است. خیلی‌ها در قضایای اخیر(فتنه ۱۴۰۱) به وظیفه‌شان عمل نکردند، خیلی از خواص در قضایای اخیر مردود شدند و وظیفه قانونی، شرعی، اخلاقی و انقلابی خودشان را در تنویر افکار عمومی انجام ندادند. وقتی می‌پرسیم چرا حقایق را برای مردم بیان نمی‌کنید و به وظیفه اخلاقی و انقلابی خود عمل نکردید گفتند: از فضای مجازی می ترسیم". می‌گویند از جوسازی می‌ترسیم، جوسازی چنین سلاح برنده‌ای است، که اگر نبود خداوند نمی‌فرمود قلب‌ها در دست من است. کسی که قلم خوبی دارد، هنرمند است، چرا حقایق را مطرح نمی‌کند؟ می‌گوید از جوسازی و فضای مجازی می‌ترسم، فضای مجازی اینقدر تعیین‌کننده است؟ آقای محترم، خانم محترم، فرهیخته و گرامی، نخبه سیاسی، شما نخبه‌اید، نخبگی در چیست؟ منتخب بودن در این است که در زمان خودش زمان‌شناسی کند؛ ببیند، قبل از اینکه دیگران ببینند، رصد کند، قبل از اینکه دیگران رصد کنند، دشمن را بشناسد و در زمان خودش هشدار دهد، نخبگی به این است، نخبگی یعنی اینکه دیده‌بانی و تیزبینی و شرایط را رصد کند.فرهنگ اسلامی از جهاد تبیین که سخن حکمیانه رهبر انقلاب در مقطعی که بیان فرمودند و بارها بر آن تاکید کردند که نیاز کشور نیز جهاد تبیین است. کار جهادی با کار عادی متفاوت است، راه رفتن عادی و اقدامات معمولی را اقدامات جهادی نمی‌دانند، در حرکت جهادی، جهادگر باید توانایی و رسالت خودش و اقدامات خودی‌ها را و دشمن و توانایی‌هایش را ببیند، دویدن و شتابش را متناسب با آنچه که اقتضای یک حرکت جهادی است، کند و با شناختی که از دشمن به دست می‌آورد، بتواند بر او پیروز شود. رئیسی، رئیس‌جمهور در همایش جهاد تبیین، ۲۶ آبان در محل سالن اجلاس سران


خادم ایران بود
در حلقهٔ مهر رضا علیه‌السلام